



انترناسیونال

۳۳۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۷ اسفند ۱۳۸۸، ۲۶ فوریه ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سرمدیر: کاظم نیکخواه



صفحه ۸-۷-۶ ویژه ۸ مارس

در ۸ مارس، ۱۷ اسفند، روز جهانی زن: جهان علیه جمهوری اسلامی ضد زن

اولین و شاید براترین سلاح جمهوری اسلامی برای سرکوب انقلاب ۵۷ حمله بیرحمانه و بی سابقه به زنان بود. جهمی واقعی علیه زنان پیا کرد تا کل جامعه را مرعوب و سرکوب کند. جمهوری

حکومت ضد زن در تاریخ معاصر. انقلاب علیه حجاب و تبعیض و آپارتاید جنسی که زنان در صف مقدم آن قرار دارند و آزادی و برابری زن و مرد در همه عرصه های زندگی اجتماعی حکم خدشه ناپذیر آنست.

در هشت مارس امسال نگاهها بسوی مبارزه قهرمانانه زنان و انقلاب جاری در ایران میچرخد. بسوی انقلابی که "تدا" بدرست به چهره جهانی آن تبدیل شده است. انقلاب علیه جمهوری اسلامی، علیه این کشیف ترین

ستون اول جشنی که دیر نمی پاید کاظم نیکخواه

جشن و هیاهوی تماشایی حاکمین اسلامی و رسانه های نوکرشان در مورد بیست و دو بهمن همچنان ادامه دارد. از "استقامت علی وار رهبر" سخن میگویند. در وصف "معجزه بیست و دو بهمن" روضه خوانی میکنند. از درایت نیروی انتظامی و فرماندهان حرف میزنند و در یک کلام هیاهویی در جبهه حاکمین شنیده میشود. این جشن و این جنجال هم تماشایی و هم مهم است. مهم و تماشایی است چون راز بیست و دو بهمن را به خوبی بر ملا میکند. جشنی که گرفته اند، شکرگزاریهایی که کردند، هلهله و ولوله ای که راه انداخته اند و دروغهایی که میبافند و پنجاه میلیونی که "حامی" پیدا کردند، همه و همه کابوس شب قبلشان را، وحشت روزهای قبلشان از بیست و دو بهمن را برملا کرد. همین روزها بحثهای یکی از جلسات سران سپاه پاسداران و بسیج به بیرون درز کرد و هرکس که آن بحثها را خوانده باشد میدانند جشن امروز برای چیست. فرماندهان سپاه در آن نشست در مورد تظاهرات روز ۶ دی (عاشورا) میگویند: "در ساعت دو بعدازظهر روز عاشورا پنج منطقه از تهران بزرگ در دست نیروهای اغتشاشگر قرار گرفته بود که اگر این پنج منطقه به هم می پیوست، تهران سقوط می کرد". "سقوط تهران" یعنی سقوط جمهوری اسلامی. و این کابوس روز و شبشان تا روز بیست و دو بهمن بود. جشن امروز دقیقاً جشنی برای ساقط نشدن است. میدانند که کار از این حرفها گذشته است که بتوانند فکری به حال بقیه ماجراهایی که در این روز اتفاق افتاد و

رای انقلاب و ترفند فراندوم!

حمید تقوایی

نظام؛ و حالا باید فراندوم برای حذف شورای نگهبان را نیز به این کلکسیون اضافه کرد! این آخری از همه بیربط تر و مضحک تر به نظر میرسد اما در اساس همه این طرحهای رنگارنگ فراندوم به واقعیات سیاسی جامعه ایران و خواست واقعی توده مردم ربطی ندارند.

اپوزیسیون حافظ نظام در خارج کشور طرحهای متعددی برای فراندوم بر سر موضوعات مختلف مطرح شد بود: فراندوم برای تغییر قانون اساسی، برای حذف ولی فقیه از قانون اساسی، برای تجدید انتخابات ریاست جمهوری، فراندوم برای تغییر

مهدی کروی در آخرین بیانییه اش خواسته است که برای حذف شورای نگهبان فراندوم برگزار شود! هر دم از این باغ بری میرسد! تا کنون از جانب سلطنت طلبان و برخی از دوخردادیهای رانده شده از حکومت و اخیراً شخصیتهای



وجه مشترك همه این نوع نسخه پیچی های فراندومی در تخیلی و غیرعملی بودن آنها است. هیچ دیکتاتوری ای در عالم نه با صفحه ۲

بازتاب هفته

کابوس روز: چهارشنبه سوری
بهر روز مهر آبادی
ادامه اعتصاب عمومی در یونان
سیامک بهاری
ما نیز تضمین میکنیم
یاشار سهندی
بیعت مجدد "رفسنجانی با خامنه ای
محمد شکوهی

صفحات ۵-۴

در صفحات دیگر

داریوش همایون: تعیین نرخ وسط دعوا
کاظم نیکخواه صفحه ۱۲
بساط حکومت اسلامی در آلمان را باید فوراً جمع کرد!
مینا احدی صفحه ۱۲

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار

اخراج شود

اعتراضات کارگری گسترش می یابد - صفحات ۱۰-۹

دیگر نمی پذیریم

شهلا دانشفر

نشان میدهد:

آخر سال است و دوباره بحث بر سر تعیین میزان حداقل دستمزد بالا گرفته است. اما امسال در شرایطی کاملاً متفاوت با هر سال این بحث دارد طرح میشود و در این روزهای انقلاب، بردن بحث بر سر معیشت و زندگی مردم، نتیجه فوریش شعله ور کردن خشم اعتراض جمعیت میلیونی کارگران و خانواده های کارگری و به انفجار درآمد کل جامعه است. نتیجه فوریش جرقه زدن بر آتش زیر خاکستر شورش گرسنگان است. نگاهی به آمارهای خود رژیم گوشه کوچکی از این حقیقت را

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ جشنی که دیر نمی باید

مردم ایران و حتی در سطح جهان آنرا دیدند بکنند. آن دهها هزار نفری که علیرغم آن فضای سنگین حکومت نظامی و لشکرکشیها و بگیر و ببیندا، در صادقیه و اطراف میدان آزادی و دانشگاه و شعار دادند، آن صدها زنی که در آرایشگر حجاب اسلامی از سر برگرفتند و پایکوبی کردند، آن ۱۵ هزار نفری که با شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" به سوی اوین دست به راهپیمایی زدند، آن صدها هزار نفری که در شیراز و اصفهان و سمنان و تبریز دست به راهپیمایی با شعار مرگ بر دیکتاتور زدند، آن صدها جوانی که عکس ولی فقیه را پاره و لگدمال کردند، برای حاکمین نسبت به آن اتفاقی که قرار بود بیفتد و نیفتاد امر مهمی نبود. یا امر قابل ممانعتی نبود. حتی اینکه تمام آن جمعیت کرایه ای و مزدوری که از سراسر ایران جمع کردند، نصف میدان آزادی را هم پر نکرد، ظاهرا برایشان یک آبروریزی مفتضحانه نبود. با جشن و پایکوبی بعد از بیست و دو بهمن اعتراض کردند که انقلاب از این حد بسیار فراتر رفته است که بشود جلوی شعار دادن مردم را گرفت، جلوی مرگ بر دیکتاتور گفتن و مرگ بر خامنه ای گفتن را گرفت، بلکه با جشن و پایکوبی شان اعتراض کردند که انقلاب به آستانه

از صفحه ۱ رای انقلاب و ترفند فراندوم!

رفراندوم برکنار شده است و نه حتی برای کمترین تغییرات به هیچ نوع رفراندومی رضایت داده است. اما مشکل نیروهای رفراندوم پناه در نادانی و یا خوشخیالیشان نیست. دغدغه آنها عملی و امکانپذیری طرحان نیست بلکه فواید و منافع سیاسی معین طرح رفراندوم است. هدف این نیروها اینست که بدیل و "راهکاری" در برابر تنها راه عملی تغییر اوضاع یعنی مبارزات انقلابی و ساختارشکنانه مردم قرار بدهند. رفراندوم در واقع تلاش مذبوحانه ای است برای رفع خطر انقلاب و تغییر ریشه ای وضعیت موجود! هم نیروهای راست و سلطنت طلب و هم نیروهای استحاله چی و دوحرداری های رانده شده از حکومت و هم امروز سران جناح مغلوب حکومت نظیر کربکی در حفظ نظام موجود از گزند و خطر یک انقلاب بنیادی و زیر و رو

کار این حکومت را یکسره کنند یک ارزیابی روشن از جایگاه و اهمیت حرکتشان را بدست میدهد. جمهوری اسلامی فهمیده است که به آستانه مرگ و زندگی رسیده است. حتی آن چپ خرده بورژوازی متعفن و ورشکسته ای که در فرآی ۲۲ بهمن سرش را از سوراخش بیرون میکند و بسوی کمونیستها و نیروهای انقلابی با گستاخی تمام کثافت پرتاب میکند و آنها را با گستاخی و وقاحت تمام "سگ کوری که زوره میکشد" میخواند نه فقط حقارت سیاسی خود را اعتراف میکند بلکه نشان میدهد که همین کابوس خامنه ای و حسین شریعتمداریها و شرکا به حد جنونی تمام عیار سوقش داده است. سرنگونی اینها را به معنای پایان مفتضحانه بیزینس سیاسی خویش می بیند و هرروز برای شکست مردم روزشماری میکند. گستاخی امروز این طیف ورشکسته سیاسی نیز به خاطر سرنگون نشدن جمهوری اسلامی است. بهانه اش هم بسادگی اینست که "با سرنگونی جمهوری اسلامی جامعه وارد سناریوی سیاه میشود و با این جشن شوم در عین حال نشان میدهد که به منجلابی غیرقابل بازگشت پا گذاشته است.

نتیجه اینکه نفس جشن حکومت دارد سراسیمه حکومت را نیز جلوی چشم میگذارد. این واقعیتی است که مردم انقلابی نتوانستند در ابعادی که میخواستند علیه حکومت ابراز وجود رفراندوم دوباره از سوی همان نیروهای رژیم چنچی و استحاله چی، که امروز از تغییر بنیادی وضعیت موجود بقدرت انقلاب مردم بیش از پیش به هراس افتاده اند، علم میشود. رفراندوم نیز مانند برحذر داشتن مردم از "ساختار شکنی"، محکوم کردن اعمال خشونت زبانی و عملی "از جانب مردم، و منع مردم از تعرض به اوپاشان حکومتی، تلاشی برای به عقب کشیدن و ترمز کردن جنبش انقلاب جاری است. اما این تلاش بیش از همیشه عبث و بیحاصل است. در شرایطی که خطر انقلاب دیگر نه بالقوه و تحلیلا بلکه عملا به کابوس هر روزه حکومت تبدیل شده، تظاهرات و خیزشهای خیابانی ارکان رژیم را بلرزده انداخته و هر روز و به هر مناسبتی، از عاشورا تا چهارشنبه سوری و از روز جهانی زن تا اول مه، موجودیت کل حکومت و نظام موجود را بزیر سؤال میبرد، دیگر نه کسی را میشود بدنبال خود سیاه



کازم نیکخواه

نباشد، حتی است. حتی آن جمعیت کرایه ای که آمده بود تا در تظاهرات میلیونی حمایت از حکومت شرکت کند و خود را در میان جمعیت میلیونی نفره ای دید که نفرت و خشم از سرتاپای حکومت را نشان اینها میکردند، در رویداد یعنی بی تردید نصفش آب میروید و نصف دیگرش قیتمش را بالا خواهد برد.

شکست استراتژیک

بیست و دو بهمن در عین حال برنخ مهلك و بن بست ماهوی اپوزیسیون راست و ملی - اسلامی را جلوی چشم گذاشت. جناح مغضوب و دنباله های رنگارنگش، میدانستند که دیر یا زود با این حقیقت روبرو خواهند شد که وقتی با کارت مردم و انقلاب بازی میکنند، دارند با آتش بازی میکنند. نمیشود مردم را به خیابان آورد و با قدرت مردم به حریف فشار آورد، و بعد آنها را به خانه فرستاد. اینها بارها و بارها تلاش کردند که مردم را در چارچوبهای محدود و کنترل شده ای به خیابان

صفحه ۳

عملی تغییر نظام یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب روی آورده است و تمهیداتی نظیر رفراندوم، اصلاح قانون اساسی، حذف شورای نگهبان، جمهوری اسلامی منتهای ولی فقیه و غیره، خود انعکاس و بازتاب جنبش خیابانی مردم در کردیدهای حکومتی و در میان نیروهای حافظ نظام است. بگذارید رفراندوم را مثل یک کارت دیپلماتیک در تسویه حسابهای بین جناحی و مانور در برابر جناح مخالف بکار بگیرند! راه حل مردم برای تعیین نظام و یا حتی اصلاح نظام، تجمعات اعتراضی و تظاهرات و اعتصاب و شورش و قیام شهری است. توده مردم فی الحال با پاهایشان به سرنگونی رژیم رای داده اند و "رفراندوم" به تنها معنی واقعی و عملی ممکن در شرایط سیاسی ایران صورت پذیرفته و رای خود را صادر کرده است: جمهوری اسلامی باید برود.

رفراندوم فرستاد و نه با موعظه خشونت نکنید و ساختار شکنید آرام کرد! این ترفندها در همان هشت ماه قبل هم تاریخ مصرفشان سپری شده بود. اساسا انقلاب شکل گرفت چون این نوع سناریوهای تغییرات درون حکومتی، نظیر رفراندوم و استحاله و رژیم چنچ و اصلاح قانون اساسی و امثالهم در یک سطح اجتماعی وسیع و پوچی و بیربطی خودشان به خواسته های مردم را نشان داده بودند. جنبش حاضر خود نشاندهنده و ثمره ورشکستگی سناریوها و سیاستهای غیرانقلابی و ضدانقلابی و ناتوانی این نوع سیاستها در مانع از فوران خشم مردم علیه سی سال حاکمیت جانینان و غارتگران جمهوری اسلامی است. امروز نه تنها مضحکه حذف شورای نگهبان از طریق رفراندوم بلکه حتی سناریوی رفراندوم برای تغییر نظام نیز در دل طوفانی که برپا شده است محلی از اعراب ندارد. امروز جامعه به تنها راه واقعی و

از صفحه ۱

دیگر نمی پذیریم

میگوید: خط فقر به بیش از یک میلیون تومان و نرخ تورم نیز به بیش از چهل درصد خواهد رسید! و حسن غفوری فرد عضو هیات رئیسه مجلس اسلامی نیز اعلام میکند که با اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها تورم در سال آتی به پنجاه درصد خواهد رسید. و ارقامی دیگر از این دست که بطور واقعی وقتی به نرخ واقعی تورم و افزایش هزینه مسکن و نیازهای اولیه مردم نگاه میکنیم، هنوز گویای حقیقت و ابعاد فقر و گرسنگی ای که بر جامعه تحمیل شده است نیست. در چنین شرایطی، سران حکومت به سیم آخر میزنند و آشکارا به مردم اعلام جنگ میدهند. محصولی پاسدار میلییارد وزیر "رفاه و تامین اجتماعی" جمهوری اسلامی مدافع دستمزد روزی یک دلار برای هر فرد در یک خانواده ۴ نفره شده و منکر آمار مربوط به خط فقر از سوی بانک مرکزی میشود. کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران با اذعان به خط فقر نهمصد هزار تومان وقیحانه از پانصد هزار تومان حداقل دستمزد برای سال آتی کارگران سخن میگوید و خانه کارگر جمهوری اسلامی بیانیته ای

در صفحه ای اندر باب فقر مطلق و فقر نسبی میدهد و با بیان اینکه مزد کمتر از ۳۷۴ هزار تومان به معنای فقر مطلق کارگران است، بیشرمانه اعلام میکند که براساس اطلاعات موجود، مصوبه حداقل دستمزد شورای عالی کار برای سال ۸۹، باید بتواند حداقل فقر مطلق تا حداقل فقر نسبی را در برگیرد که ارزش ریالی آن با مبلغی معادل ۳۷۴ هزار تا ۴۳۴ هزار تومان برابری می کند. احمدی نژاد نیز در مخصمه انقلاب مردم، همانطور که کشتار کهریزک و قتل ندا و غیره را منکر بود امروز با مسخرگی تمام از شکوفایی اقتصادی ایران و صعود ایران به رده هفدهم در میان کشورهای دنیا سخن میگوید و اینکه گویا بزودی ایران از نظر اقتصادی و رفاهی به رده دوازدهم صعود میکنیم. ادعایی که حتی از سوی کسانی در خود حکومتش نیز به تمسخر گرفته میشود.

معنی همه این سخنان، آنهم در شرایطی که جامعه در حال انفجار است، چیزی جز استیصال و به سیم آخر زدن حکومت نیست. در مقابل مردم هم کوتاه نمی آیند و مرگ به دیکتاتور

جشنی که دیر نمی پاید

از صفحه ۲

همین دلیل هم از ابتدا با آمدن به خیابان مخالف بودم. تمام مساله همین است که همه اینها با آمدن کنترل نشده مردم به خیابان مخالفند و مخالف بوده اند. قبلا با تلاش برای بردن مردم به مرقد امام و نماز جمعه و عاشورا تلاش کردند مردم را در چارچوب کنترل جناح مقابل قرار دهند تا شعارهای "ساختار شکن" ندهند، این بار با "اسب تروا". اما در بیست دو بهمن شکستشان سنگین بود. این يك شكست تاکتیکی نبود. تاکتیک به خیابان کشاندن مردم در زیر کنترل جناح دیگر حکومت و بدون شعارهای ساختار شکن، تمام استراتژی اینهاست. اینها در این زمینه هم از مردم جواب سریالا گرفتند، هم جناح مقابل ناتوانیشان را دست گرفت و به سرشان کوبید. دوره بعد از بیست و دو بهمن به همین دلیل دوره سخت تری برای اینهاست. از هم اکنون به صرافت طرح مجدد يك سیاست قبلا شکست خورده یعنی رفتارند توسط جمهوری

بیاورند. فراخوان دادند که به نماز جمعه بروید، به مرقد امام بروید، به مراسم دولتی بروید، شعار ساختار شکن ندهید، سکوت کنید و امثال اینها. در همه این فراخوانها شکست خوردند. تظاهرات عظیم و رادیکال ۶ دی و مقابله گسترده مردم با حاکمین، اینها را نیز به وحشت انداخت. عباس عبدی یکی از این ملی اسلامی های درون رژیم ای این معضل جبهه راست را خیلی خوب فرموله کرده است. او در گفتگو با دوپچه وله میگوید: "وقتی جنبش خیابانی می شود و رهبری که کنترل کند و دستور بدهد، نداشته باشد، مانند کامیون پر از باری خواهد شد که در سراسیمی می خواهد دنده اش را خلاص کند، بزنن مصرف نکند، یا انرژی جاذبه زمین پایین بیاید. خب مقداری که آمد، سرعتش به حدی می رسد که هیچ کس نمی تواند کنترلش کند. من با آمدن به خیابان حرکتی که روی صندلی آن کنترلی نباشد، صددرصد مخالفم. به

به شعار هر روزه مردم تبدیل شده است. مقامات حکومت و پادوهای خانه کارگر و شوراها اسلامی بیشرمانه و وقیحانه دارند از خط فقر مطلق، خط گرسنگی، خط بقا رو به مردم سخن میگویند و کارگران با شعار زندگی انسانی حق مسلم ماست، دارند به جلو می آیند. يك نمونه آن بیانیته ۴ تشکیل شناخته شده کارگری، سندیکای شرکت واحد، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، انجمن برق و فلزکار کرمانشاه و اتحادیه آزاد کارگران ایران است که ده خواست فوری خود را اعلام میکنند و يك خواست مهم آن افزایش فوری دستمزد است.

از سوی دیگر اعتصابات اختطاری در مراکز مختلف کارگری شدت گرفته است و در همین يك هفته، ده روز اخیر اخبارات راه دور، فولاد مبارکه، بخش هایی از ذوب آهن، یافته های کرمان، ریسندگی بافندگی کاشان، کارگران روکش چوب قزوین و دهها مرکز دیگر کارگری بودیم. دهها و صدها مرکز کارگری که حداقل بین ۴ تا ۲۲ ماه حقوق خود را طلب دارند. کارگران کیان تایر در اعتراضاتشان گفته اند تا مطالباتشان را نگیرند به تجمعاتشان ادامه خواهند داد. کارگران مخابرات راه دور در پاسخ به احمدی نژاد که گفته

اسلامی افتاده اند. این یعنی همانجایی که عبدی میگوید وقتی کامیون سرعت میگیرد دیگر نمی شود ترمز را کشید. اینها با مشاهده سرعت گیری و رادیکالیزه شدن انقلاب میخواهند ترمز را بکشند و به "روزهای خوش گذشته" و "زای منو پس بگیر" برگردانند. اما کامیون یا بهتر است گفته شود قطار سرعت گرفته است و این جماعت خود را میان قطار انقلاب و حاکمینی که برای سرنگون نشدن تقلا میکنند، خود را در حال مچاله شدن می بینند.

و بالاخره

واقعیت گویای اینست که هر دو جناح حکومت طی هشت نه ماه گذشته خود را هرروز بیشتر در مخصمه ای مهلك می بینند. قطار انقلاب هم از درون و هم از روبرو غیر قابل کنترل شده است. کنترل از "درون" با ابزار "حکومت اسلامی نه يك کلمه کم نه يك کلمه زیاد" بیش از آن مسخره و مضحك است که بتواند انقلابی برای سرنگونی بی کم و کاست حکومت را منحرف کند و تا همینجا نیز سترونی خود را نشان داده

بود وزیر مخابرات را بدست شما میدهم، فریاد زدند وزیر مخابرات را به دست ما بدهید تا حقمان را بگیریم. و حرف همه این کارگران اینست که تا قبل از سال جدید طلب هایمان را نقد خواهیم کرد.

به میدان آمدن کارگران توجه جهان را نیز به خود معطوف کرده است. از جمله اتحادیه دگ ب آلمان در حمایت از منصور اسانلو و برای آزادی زندانیان سیاسی از زندان فراخوان داده و از دولت آلمان خواسته است که جمهوری اسلامی را بخاطر سرکوبهایش زیر فشار بگذارد. اتحادیه کارگران پست کانادا به سفارت جمهوری اسلامی نامه داده و نسبت به توطئه ترور منصور اسانلو در زندان و سرکوب ها اعتراض کرده است. و فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل طی نامه ای اعتراضی به جمهوری اسلامی خواستار آزادی منصور اسانلو و ابراهیم مددی از زندان شدند.

این وزن سنگین کارگران با اعتصاباتشان، با بیانیته هایشان و با شکل گرفتن يك کمیون همبستگی بین المللی با کارگران و مردم ایران است که دارد به جلو می آید. این کام مهمی از انقلاب ماست. باید متشکل تر و قدرتمند تر این گام را برداریم. شوراها را سراسری خود را شکل دهیم.

است. وقتی که انقلابی بدون امکان منحرف کردن درونی (یا بقول عبدی "کنترل درونی") به حرکت در می آید، یا باید آت را از روبرو شکست داد یا تا سرنگونی حکومت پیش می رود. این واقعیت امروز انقلاب ایران است. جناح حاکم ابزارهای مقابله مستقیم با انقلاب را تا اینجا امتحان کرده است و شکست خورده است. تمام بگیر و ببندها و کهریزک ها و شکنجه ها و تجاوزها و حکومت نظامی ها، تنها گسترش رادیکالتر شدن انقلاب را بدنبال خود داشته است. و امروز کوبیدن بر طبل "حمایت پنجاه میلیونی" تنها اعتراضی آبرویافته به شکست



شهلا دانشفر

همه مراکز کارگری همبستگی خود را با منشور مطالبات حداقل کارگری که به ابتکار ۴ تشکیل نام برده بیرون داده شده است، اعلام کنند و بگویند که این خواستها خواست همه ما کارگران است و گرد آن متحد شوند. و از جمله خواهان آزادی فوری کارگران زندانی از زندان و همه زندانیان سیاسی شوند و اعتصابات اختطاری و سراسری خود را علیه این حکومت خط فقر اعلام کنند. اعلام کنند که تمامی دستمزدهای پرداخت نشده خود را از حلقومتان بیرون میکنیم. اعلام کنند ما خواهان رفاه و زندگی ای انسانی هستیم و اجازه نمیدهیم با چماق خط فقر و خط گرسنگی زندگی ما را به بیغما برید. اعلام کنند که بساط نیروهای سرکوبتان را از همه مراکز کار و از کل جامعه جمع خواهیم کرد و بر ده خواست فوری خود تاکید گذارند. کارگران به میدان می آیند. جمهوری اسلامی دارد میروند صفوفمان را متحد تر کنیم.*

سیاست سرکوب است و مردم را برای نشان دادن عزم خویش برای سرنگونی مصمم تر خواهد کرد. چشم انداز اوضاع بعد از بیست و دو بهمن بر این دلالت میکند که میتوان شاهد این بود که خیلی زود رهبران واقعی انقلاب به جلو خواهند آمد، بخشهای مختلف مردم میلیونی با زبان و حرف دل واقعی خویش به خیابان خواهند آمد، اشکال مبارزه همه جانبه تر خواهد شد، و حکومت اسلامی با روزهای بسیار داغتری روبرو خواهد بود. در این زمینه بیشتر سخن خواهیم گفت.*

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

۴۰۰ دلار

۳۰ یورو

۱۰ یورو

۱۵ یورو

مسعود آذرنوش

روزبه اسماعیلی

مجید بنکدار

Jurek Ziehaus

جمیلهداری سوئد

۵۰۰۰ کرون

کمک ماهیانه حوزه انترناسیونال از ایران ۶۵۰۰۰۰۰ ریال



شدن بساطش، او را رها نمی کند. نگرانی فرماندهان سپاه اسلام فقط از اوج گرفتن شعله های خشم مردم در این مناسبت ها نیست. آنها روزهایی را می بینند که به چنگ مردم افتاده اند و صحنه های محاکمه خود را به جرم جنایات متعدد و در مقابل قضاوت مردم ایران و جهان مجسم می کنند. این هراس بیمورد نیست.*



سیامک بهاری

ادامه اعتصاب عمومی در یونان

روز چهارشنبه ۲۴ فوریه دومین اعتصاب سراسری به دعوت دو اتحادیه سراسری کارمندان و کارگران GSEE و اتحادیه مرکزی کارگران ADEDY با شرکت قریب به سه میلیون نفر در آتن و تسالونیک دومین شهر بزرگ یونان، آغاز شد. این اعتصاب عمومی در اعتراض به بسته صرفه جویی دولت به اصطلاح سوسیالیست در انجماد دستمزدها، افزایش مالیات بر مواد سوختی، افزایش سن بازنشستگی، متوقف کردن استخدام نیروی کار جدید در همه عرصه های خدمات عمومی، کاهش مستمری ناچیز کارمندان و صرفه جویی کلان از سفره بی رونق مردم که بمعنای واقعی کلمه به روز سیاه نشسته اند است. دولت یونان در نظر دارد به دلیل خطر ورشکستگی، با بورش به معیشت مردم دست به صرفه جویی های بیشتری بزند. ادارات دولتی، مدارس و دانشگاهها تعطیل اند. در رادیو و تلویزیون پخش برنامه های خبری متوقف شده است. قطار و اتوبوس و هواپیما و فرودگاه یکجا متوقف شده اند. همه چیز از حرکت باز ایستاده است. تنها حرکت، زورآزمایی دنیرو در مقابل یکدیگر است. صف متحد و خشمگین مردم عاصی و صف بیرحم بازار سود و سرمایه! گرانی کمر شکن، دستمزدهای ناچیز و تورم افسار گسیخته و بحران اقتصادی فلج

بازتاب هفته



بهروز مهرآبادی

کابوس روز: چهارشنبه سوری

جمهوری اسلامی گشت. آشکارا به شکست خودشان در مقابل مردم در این روز اعتراف می کنند. سرتیپ اسماعیل احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در مراسم انتصاب فرمانده جدید نیروی انتظامی گفت: "باید جلوی نفوذ دشمن به تهران گرفته شود تا گسست امنیتی روز عاشورا بوجود نیاید." این سخنان عمق گسترش و قدرت جنبش مردم در روز ششم دی ماه را نشان می دهد و وحشت این سردار اسلام را نشان می دهد که در سخنان خود برگزاری مراسم ۲۲ بهمن توسط رژیم را نتیجه "تلاش های شبانه روزی پلیس، بسیج و نیروهای امنیتی" اعلام کرد. و معلوم است که این همه تدارکات برای محافظت این مراسم از خشم و نفرت مردم بوده است. به گزارش واحد مرکزی خبر در روز دوم اسفند، حسین ساجدی نیا فرمانده جدید نیروی انتظامی تهران بزرگ ادامه ناآرامی ها و تظاهرات های مردم و برنامه های سرکوبگرانه رژیم را تحت عنوان "اجرای طرح انضباط اجتماعی با هدف تامین آرامش شهروندان در سال ۸۹" عنوان کرد. او در سخنان خود از طرح امنیت اخلاقی نام برد و گفت: "آنچه مربوط به ضوابط قانونی است، انجام خواهیم داد و در وقت نیاز از نیروی بسیج استفاده خواهیم کرد." رژیم بخوبی می داند که مردم از هر فرصتی برای ریختن به خیابانها و ابراز انزجار به حکومت اسلامی استفاده می کنند. حسین ساجدی نیا نگرانی خود از نزدیک شدن چهارشنبه سوری و تدارک برای سرکوب مردم در این روز را اعلام کرد و گفت: "با قانون شکنان چهارشنبه آخر سال به شدت برخورد می شود". تمام شاخ و شانه کشیدن های سرداران اسلام نشان می دهد که جنبش انقلابی مردم با قدرت ادامه دارد و خواب را از چشمان حاکمین اسلامی روده آور است. مورد آن فرق نمی کند، عاشورا، ۲۲ بهمن، ۸ مارس، چهارشنبه سوری، اول مه... این یک هراس دائمی است که گلوی این حکومت را گرفته و تا زمان برچیده

اقتصادی خود ادامه می دهد. آنچه ما تا به امروز با آن روبرو بوده ایم و به نظر من آنچه ما در چند روز آینده با آن روبرو خواهیم شد، شرایطی بسیار ملایم است! کارگر جهانی برای بازپرداخت بدهیهای دولت که چیزی حدود ۴۰۰ میلیارد دلار یعنی چهار برابر حد مجاز در عرف بانک جهانی است، برنامه های صرفه جویی دولت را چون هیولای خونخواری به جان مردم نیمه گرسنه انداخته است. کسری بودجه یونان در حال حاضر حدود سیصد درصد درآمد ناخالص داخلی است. دولت به اصطلاح سوسیالیست که با وعده بهبود اقتصادی به قدرت دست یافته است، در اولین قدم مردم را سلاخی برنامه ها و زیرساختهای بانک جهانی می برد، تا مردم بیگانه هزینه بحران سرمایه داری را با ریاضت و سفره حقیر تر و قبول بردگی بیشتر و فروش نازلتر نیروی کار و فقر رسمی تر بپذیرند. کاهش کمک هزینه هایی که دولت بعهده گرفته بود با سرعتی شگرف رویه سقوط است، مردم خشمگین فریاد میزنند این شرکتها و بانکها هستند که باید هزینه بحرانی را که خود آفریده اند بدهند. همانها که سودهای کلان به جیب زده اند، نه مردمی که قربانی سیاستها و مظالم بانکها و موسسات مالی شده اند. درحالیکه اکثریت قریب به اتفاق مردم در تظاهرات و اعتصاب عمومی چند میلیونی شرکت جسته اند، تیودوروس پانگالوس، معاون نخست وزیر یونان در مقابل اعتراضات به حق مردم با وقاحت کم نظیری می گوید: "دولت از اعتصاب امروز نگران نیست و به اجرای برنامه های

اقتصادی خود ادامه می دهد. آنچه ما تا به امروز با آن روبرو بوده ایم و به نظر من آنچه ما در چند روز آینده با آن روبرو خواهیم شد، شرایطی بسیار ملایم است! کارگر جهانی برای بازپرداخت بدهیهای دولت که چیزی حدود ۴۰۰ میلیارد دلار یعنی چهار برابر حد مجاز در عرف بانک جهانی است، برنامه های صرفه جویی دولت را چون هیولای خونخواری به جان مردم نیمه گرسنه انداخته است. کسری بودجه یونان در حال حاضر حدود سیصد درصد درآمد ناخالص داخلی است. دولت به اصطلاح سوسیالیست که با وعده بهبود اقتصادی به قدرت دست یافته است، در اولین قدم مردم را سلاخی برنامه ها و زیرساختهای بانک جهانی می برد، تا مردم بیگانه هزینه بحران سرمایه داری را با ریاضت و سفره حقیر تر و قبول بردگی بیشتر و فروش نازلتر نیروی کار و فقر رسمی تر بپذیرند. کاهش کمک هزینه هایی که دولت بعهده گرفته بود با سرعتی شگرف رویه سقوط است، مردم خشمگین فریاد میزنند این شرکتها و بانکها هستند که باید هزینه بحرانی را که خود آفریده اند بدهند. همانها که سودهای کلان به جیب زده اند، نه مردمی که قربانی سیاستها و مظالم بانکها و موسسات مالی شده اند. درحالیکه اکثریت قریب به اتفاق مردم در تظاهرات و اعتصاب عمومی چند میلیونی شرکت جسته اند، تیودوروس پانگالوس، معاون نخست وزیر یونان در مقابل اعتراضات به حق مردم با وقاحت کم نظیری می گوید: "دولت از اعتصاب امروز نگران نیست و به اجرای برنامه های

جمهوری اسلامی بعد از بیست و دو بهمن این بار با کابوس چهارشنبه سوری دارد دست و پنجه نرم میکند. این روزها فرمانده نیروی انتظامی تهران برکنار شد و بجای سرتیپ رجب زاده، سردار سرتیپ حسین ساجدی نیا گماشته شد. گفته می شود برکناری رجب زاده بخاطر ناتوانی او در سرکوب مردم در روز ششم دی ماه (عاشورا) بوده است. در این روز مردم به نیروهای رژیم حمله کرده و به نقل از گزارشی از یک جلسه درونی سپاه که در قرارگاه ثارالله برگزار شده و بخشی از آن به بیرون درز کرده چنین گفته میشود: "در ساعت دو بعدازظهر روز عاشورا پنج منطقه از تهران بزرگ در دست نیروهای اغتشاشگر قرار گرفته بود که اگر این پنج منطقه به هم می پیوست، تهران سقوط می کرد." در قسمتی دیگر گفته شده که "این آقایان نیروی انتظامی بی عرضگی از خودشان نشان می دهند. یک فرمانده در صحنه باید دستور را اجرا کند، نه اینکه یک مرتبه در وسط میدان سؤال می کنند: بزنیم یا بزنیم؟ بزنیم می رویم دادسرا و بزنیم می خوریم. رجب زاده (سرکرده نیروی انتظامی تهران بزرگ) در روز عاشورا به قدری ناشایسته برخورد کرد که بنظر می رسد این نوع عملکرد، برای وزیر مسکن خوب بود تا فرمانده تهران بزرگ. ایشان با موتور می رود و از اغتشاشگران کتک می خورد، این ننگ است، روحیه بقیه را تضعیف می کند و حق نداشت که این غلطها را بکند. آقای رادان هم مثل یک آدم کتک خورده، متزلزل و منزوی در تلویزیون ظاهر شد، که روحیه ها را تضعیف کرد"

دامنه و وسعت جنبش مردم در روز ششم دی موجب وحشت

یک دنیای بهتر برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

بازتاب هفته

ما نیز تضمین میکنیم

یاشار سهندی

مجوز راهپیمایی نخواهند داد که چنین پیشنهاد میکنند. دوما اگر روزهای اول که این جنبش خیابانی به راه افتاد این گوشه و آن گوشه شعار مرگ بر دیکتاتور شنیده میشد یا مرگ بر جمهوری اسلامی، اما الان اولین شعار مرگ بر دیکتاتور است، الان مرگ اصل ولایت فقیه را مردم سر میدهند، اینجاست که به نظام و رهبری آن سیل شده است. اینجاست که همه عقلای قوم اعم از حاکمین یا روشنفکران دینی و سکولارهای دین مدار هر روزی به شکلی هذیان گویی میکنند تا شاید بتوانند "نظام" را نجات دهند. جنبش انقلابی مردم ایران نه تنها حاکمیت را نشانه گرفته بلکه دارد از روی آنچه که "جنبش سبز" خوانده میشود نیز میگردد. اتفاقات ۲۲ بهمن نشان داد که میزان وحشت این نظام الهی چقدر عمیق است. برای همین همگی این قوم به هذیان گویی دچار شدند.

ما نیز این راهپیمایی را تضمین میکنیم، تضمین میکنیم که همگی شعار ساختار شکن میدهند. چون میخواهند به مریدی و مرادی پایان بخشند، چون میخواهند از خینی که نام برده میشود بلافاصله صفت دیکتاتور یا جنایتکار به آن اضافه گردد. چون میخواهند "سفره آزادی" را که بوسیله نعلین امثال کروی و پوتین امثال سازگار خونی شده از زیر دست و پای امثال احمدی نژاد و خامنه‌ای بیرون کشند. بعد هم کسی را متولی سفره نمی خواهند که فردا بعنوان پدر ملت، امام امت، سبیل کشور و سبیل وحدت که تاج شاهانه بر سر دارد یا عمامه ولی فقیه یا هر عنوان دیگر چند و چون آزادی را تعیین کند. امثال کروی را "جون تو جوشان کنی" باز هم نمی توانند برای یک لحظه فراموش کنند که ارباب مردم نیستند که سفره برای رعیت پهن کنند، مسلما کسی که سفره پهن میکند آداب نشستن به دور آن را تعیین میکند این سفره ازانی کروی و موسوی و ... آزادی اما، ذات زندگی است. این است که به ضرب تیغ خون آلود اسلام از ما دریغ شده است؛ و ما تضمین میکنیم که در آن راهپیمایی همه آزادی فریاد زده شود.



محمد شکوهی

"بیعت مجدد"

رفسنجانی با خامنه‌ای

در هفته‌ای که گذشت اجلاس مجلس خبرگان رژیم به ریاست رفسنجانی برگزار گردید. در بیانیه‌ای که از طرف و به امضای مجلس خبرگان روز چهارشنبه ۵ اسفند صادر شده آمده است که فرصت سران فتنه "به پایان رسیده و اینها در نظام جایی ندارند و حتی فرصت بازگشت به آغوش نظام را سورانده اند. در این میان اظهارات رفسنجانی که تا آن موقع ظاهرا جزو "خواص" غیر شفاف مورد نظر خامنه‌ای بود و تا حالا سکوت کرده و موضع روشن و شفاف در حمایت از رهبر رژیم نگرفته بود، بالاخره از دایره غیر شفافان بیرون آمد و دوباره با خامنه‌ای بیعت کرد. اینکه در قبال این سازش و این بیانیه و توصیف خصوصیات "بی نظیر رهبر" ایشان چه بدست آورده است و چه تضمین‌هایی به او در مورد حملات هرروزه به افراد خانواده و وابستگانش داده شده است معلوم نیست. و اینکه در این سازش قرار است دیگر "سران فتنه" یعنی موسوی و کروی به چه برسند نیز روشن نشده است. اما آنچه مسلم است رفسنجانی دارد حاصل هشت ماه مبهم گویی‌ها و وسط ایستادنهایش را می‌چند و از خط وسط، به جبهه خامنه‌ای گام میگذارد. رفسنجانی حدود سه هفته پیش در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی ضمنی اعلام کرده بود که دارد در این شرایط خطرناک برای "سالم بدر بردن نظام" از گزند خطراتی که متوجه هش شده است فخر می‌کند. و بالاخره این فکر نتیجه داد و وی در کنار و در حمایت از خامنه‌ای رسماً بیانیه خبرگان را بیرون داد. و با ادبیات خامنه‌ای بر علیه مخالفانش حرف زد. رفسنجانی از ۹ دی به عنوان "یوم الله دیگر" یاد کرد و بخشا تهدیدات خامنه‌ای در سرکوب

اعتراضات مردم را تأیید نمود. کل موضع اخیر او نه تصادفی بود و نه اتفاقی. رفسنجانی هم خطر از جانب مردم را احساس کرده و به خوبی می‌داند که مردم کل نظام را نشانه گرفته‌اند و بهتر است هم برای حفظ موقعیتش در نظام و در نزد رهبر رژیم و برای نجات نظام، نهایت تلاش و کوشش را به کار بگیرد. اما در این شرایط که وی به صحنه آمده است، اوضاع کاملاً متفاوت تر از بحران‌های قبلی حکومتی می‌باشد. رفسنجانی در تلاش است نقش "مرغ طوفان" و ناجی نظام را با هر وسیله و سیاستی که ممکن است نقش بازی بکند.

مساله اینست که آیا آن گونه که دست اندکاران حکومت انتظار دارند این سازشها و مماشاتها میتواند به عقب راندن انقلاب یا "فتنه" کمک کند؟ حقیقت مسلم اینست که این رفسنجانی نیست که دارد به مردم پشت میکند. مردم از همان زمان که جنبش و انقلاب خویش را آغاز کردند به همه اینها پشت کرده بودند. برای به زیر کشیدن کل حکومت به میدان آمده بودند. و بویژه در جریان تظاهراتهای ۶ دی و حتی بیست و دو بهمن آشکارا نشان دادند که از تمام جناحهای حکومت عبور کرده‌اند. در واقع رفسنجانی زمانی به طور کامل تسلیم خامنه‌ای میشود که خاصیت ترمز کردن انقلاب و مردم را به طور کامل از دست داده است و با این سخنان اخیر و بیانیه خبرگان، آخرین بندهای ارتباطش با مردم را نیز قیچی کرده است. میلیونها جوانان و زنان و کارگران و مردمی که برای خلاصی از کل حکومت توحش اسلامی در برابر اوباش و مزدوران مسلح و وحشی قد علم کرده‌اند، با هیچ تلاش امثال رفسنجانی و هیچکدام از سران دیروز و امروز این حکومت به خانه نخواهند رفت. سران امروز و دیروز حکومت اگر این را نفهمیده باشند خیلی زود به چشم خواهند دید*

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
 - ۲- آزادی زندانیان سیاسی
 - ۳- لغو مجازات اعدام
 - ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
 - ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
 - ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
 - ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
 - ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
 - ۹- محاکمه آیت الله‌ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
 - ۱۰- تأمین و تضمین یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به یک میلیون تومان
- این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواستهای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده‌اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده‌اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند. مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران

۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

زنده باد حکومت انسانی! برقرار باد جمهوری سوسیالیستی!

۸ مارس با پرچم سرنگونی رژیم ضد زن جمهوری اسلامی و همبستگی با زنان ایران به میدان بیائیم!

این میتینگ روتردام

دوشنبه ۸ مارس - تظاهرات همبستگی با زنان ایران از ساعت ۱۴- محل تجمع در مقابل "استاد هوس" فراخوان دهنده: اتحاد زنان آزادیخواه



سوئد: استکهلم

از سوی علیه تبعیض - سازمان دفاع از حقوق زن برگزار می شود: دوشنبه ۸ مارس - اجتماع در Södermalmstorg از ساعت ۱۵ تا ۱۷:۳۰ با نمایش ویدیو کلیپ، میز کتاب، نمایشگاه عکس و سخنرانی و از ساعت ۱۸ به راهپیمایی بزرگ ۸ مارس به اتفاق تمامی سازمانهای مدافع حقوق زنان به طرف Meddborgarplatsen همراه خواهیم شد و همبستگی خود با زنان ایران را نیز به نمایش خواهیم گذاشت.

گوتنبرگ

شنبه ۶ مارس - برگزاری مراسم بزرگ روز جهانی از سوی کمیته ۸ مارس مرکب از سازمانهای سوئدی و ایرانی - این مراسم ساعت سه بعد از ظهر در رستوران تراپان جنب فولکت هوس برن توریت برگزار میشود. این برنامه شامل سخنرانیها و موزیک و اجرای تئاتر هست. سوسن صابری، یکی از سخنرانان این مراسم است. سوسن در مورد موقعیت زنان و جنبش برابری طلبانه زنان در ایران اعلام خواهند کرد. فرشته مرادی فعال سرشناس و محبوب مدافع حقوق زنان، به همراه تعداد دیگری از فعالین مدافع حقوق زن از سازمان دهندگان این حرکت مهم هستند.

هشت مارس ساعت سه بعد از ظهر مقابل پارلمان هلند در دناخ تلفنهای تماس با فرشته مرادی: ۰۶۴۶۴۲۴۳۸۰ و اکسرم: ۰۶۴۴۵۱۱۳۰ سازمان دهندگان

ونکوور

کانادا به استقبال هشت مارس روز جهانی زن میرود. در شهر ونکوور شنبه ۲۷ ماه فوریه يك مراسم بزرگ به مناسبت هشت مارس از سوی سازمان علیه تبعیض و حزب کمونیست

ظهور خواهد بود. پس از اجتماع در این محل تظاهرکنندگان به راهپیمایی بزرگ ۸ مارس در شهر ملحق خواهند شد. این راهپیمایی از ساعت شش بعد از ظهر از میدان گوستاو آدولف شروع میشود و حرکت بسوی یوتا پلاتسن

خواهد بود. در این راهپیمایی نیز سخنرانیهای متعددی خواهد بود و نمایش نور یکی از برنامه های این حرکت بزرگ است.

مالمو

دوشنبه ۸ مارس - مراسمی بمناسبت روز جهانی زن برگزار می شود که در همبستگی با زنان ایران سخنرانان این برنامه فریده آرمان چهره سرشناس و محبوب دفاع از حقوق زنان است. در این برنامه فعالین کمیته دفاع از حقوق زنان در ایران، با نمایش فیلمی از مبارزات زنان در ایران و ندا آقا سلطان، از همگان خواهند خواست برای سرنگونی حکومت اسلامی به یاری مردم ایران بشتابند. در بخش دیگری از این برنامه، فرح، یکی از فعالین مدافع حقوق زن در مورد شرایط زندگی و مبارزه زنان در ایران سخنرانی خواهد کرد.

محل این مراسم Kronatorpsgratan 1 و زمان آن ۱۷ تا ۲۱ خواهد بود.

راهپیمایی ۸ مارس - مارش روز جهانی زن از ساعت ۱۸ از میدان گوستاو شروع می شود و در میدان "مولونگن" خاتمه می یابد. در این راهپیمایی با عکس ندا و بنر همبستگی با زنان ایران شرکت خواهیم کرد.

تلفن تماس: فریده آرمان- ۴۶۷۰۳۶۳۸۰۸۸+

کانادا:

میدان مل لسمن زمان: یکشنبه ۷ مارس - ساعت ۱۳ تا ۱۶ برنامه دیگری طی همین روز و در همان محل از ساعت ۱۶ تا ۱۸ از طرف علیه تبعیض - سازمان دفاع از حقوق زن و سازمان رهایی زن در عراق برگزار می شود

آلمان: فرانکفورت

دوشنبه ۸ مارس - تظاهرات ساعت ۵ عصر از مرکز شهر فرانکفورت به سمت اطاق بازرگانی و بعد از آن به طرف دفتر ایران ایر. همراه با نمایش فیلمهایی از ایران در همسایگی بـ سـاز. محل شروع تظاهرات Hauptwache Zeil تلفن تماس: شهناز مرتب ۰۱۵۷۸۱۶۸۸۷۳۲

فرانسه: لیون

شنبه ۶ مارس - به دعوت حزب کمونیست کارگری و انجمن همبستگی فرانسوی ایرانی از ساعت ۱۷ تا ۱۹ در مرکز شهر لیون واقع در پلاس بلکور در دفاع از مبارزات زنان ایران برای آزادی و برابری يك تجمع اعتراضی برگزار می شود. از ساعت ۸ شب همان روز نیز مراسمی بمناسبت ۸ مارس در محل پاتق همبستگی به همراه برگزاری تئاتر، موزیک و شام برگزار خواهد شد. ورود برای عموم آزاد و رایگان است.

نروژ: اسلو

شنبه ۶ مارس - اجتماع اعتراضی و غرفه اطلاعاتی رسانی شامل آپل و سخنرانیهای کوتاه، در برابر پارلمان نروژ - از ساعت ۱۲:۳۰ از سوی واحد نروژ تشکیلات خارج حزب کمونیست کارگری و فعالین سازمان علیه تبعیض. از همه مخالفین حکومت آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی و جریانات مدافع حقوق برابر زن دعوت به حضور فعال در این تجمع میشود.

دوشنبه ۸ مارس - شرکت در میتینگ راهپیمایی روز جهانی زن ساعت ۱۸ در Youngstorget-Oslo که از طرف کمیته ۸ مارس و سازمانهای نروژی برگزار می شود. تلفن تماس برای اطلاعات بیشتر: +۴۷۹۸۶۹۴۰۰۱۰

روابط عمومی کمپین هشت مارس - ۲۵ فوریه ۲۰۱۰

کارگری ایران در کانادا در این شهر برپا میشود. این مراسم با انجام سخنرانی و خواندن شعر و موزیک از ساعت هفت شب روز شنبه ۲۷ ماه فوریه در محل تروت لیک کامیونیتی سنتر ۳۳۵ خیابان ویکتوریا درایو، در شهر ونکوور برگزار می شود. از جمله سخنرانان این برنامه فهیمه صافدقی چهره سرشناس مدافع حقوق زنان خواهد بود.

شنبه ۶ مارس - بدعوت ایران سولیدارتی در ونکوور در اعتراض به خشونت علیه زنان در اعتراض به آپارتاید جنسی و حجاب اجباری در ایران در اعتراض به قوانین شریعه و بمنظور پشتیبانی از مبارزات زنان برای آزادی، برابری و یک جامعه انسانی تظاهراتی در مقابل آرت گالری ونکوور برگزار می شود. برنامه شامل سخنرانی از طرف زنان بومی کانادا، زنان ایرانی، عراقی و افغانی و میکروفن آزاد است.

زمان: شنبه ۶ مارس، ساعت ۱۳ تا ۱۵

مکان: ضلع جنوبی آرت گالری (تقاطع هاو و رابسون) در ونکوور

تورنتو

شنبه ۶ مارس - شرکت در راهپیمایی روز جهانی زن که از طرف سازمان کانادایی آی دبلیو دی برگزار می شود

میتینگ سازمان زنان ۸ مارس (ایران افغانستان) - ترانتو - کانادا مکان ایستگاه نودت بورکمکان -



روز ۱۹ مارس ۱۸۴۸ و در عقب نشینی در برابر انقلاب آن سال، پادشاه پروس وعده داده بود که حق رأی زنان را به رسمیت بشناسد.

سال ۱۹۱۱ اما سال ۲۰۱۰ نبود. از اینترن و ماهواره خبری نبود. خبر روز جهانی زن و آمادگی برای آن روز توسط اعلامیه‌ها و خبررسانی ابتدائی آن زمان صورت گرفت و به پیش رفت. چند هفته قبل از ۱۹ مارس آن سال، دو نشریه مهم در آلمان (رأی زنان) و اتریش (روز زنان) منتشر و در سطحی وسیع توزیع شدند. مقالات و مطالب متعددی نیز بصورت روزنامه دیواری که به مسائل مختلفی می پرداختند و با تیترهای "زنان و پارلمان"، "زنان کارگر و امور محلی"، "زنان خانه دار را چه به سیاست؟" و غیره منتشر گردیدند. همچنانکه از تیترا این مطالب برمی آید، به برابری زنان و مردان در مشارکت در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و تبعیض بر علیه زنان در عرصه‌ها پرداخته بودند. گرچه جشن و برگزاری مراسم روز جهانی زن در دو کشور اتریش و آلمان برجسته بود، اما این مراسم در کشورهای دیگری نیز، از جمله سوئیس و دانمارک هم برگزار گردید. رویه‌رفته بیش از یک میلیون نفر در مراسم و راهپیمائی‌های تدارک دیده شده شرکت کردند. علاوه بر مطالبه حق رأی برابر، مطالبه دیگری از جمله لغو تبعیض در محیط کار، حق کارآموزی، حق اشتغال و غیره نیز مطالبه شد.

موفقیات این جشن، بسیار فراتر از انتظاری بود که فعالین این عرصه داشتند. کولنتای در باره مراسمهای آلمان و اتریش از غلغله جمعیت می گوید که در هر گوشه و کناری و در هر شهر و شهرکی مراسمی برگزار شده بود. مردان در خانه به امور خانه داری می پرداختند و زنان آن روز دخالت در مسائل سیاسی و امور بیرون از خانه را برعهده گرفته بودند.

روز جهانی زن تا سال ۱۹۱۳ در روزهای غیر از ۸ مارس جشن گرفته میشد. روز جهانی زن در این سال در گرماگرم جنبش اعتراضی به جنگ جهانی با قدرت بیشتری در بسیاری از کشورهای اروپائی و از جمله برای اولین

پیشنهاد کلارا زتکین آمده بود که هر ساله در تمام کشورها روزی به نام روز زن جشن گرفته شود تا مطالبات زنان را در این روز مشخص برجسته کند. این کنفرانس که بیش از ۱۰۰ نماینده زن از ۱۷ کشور جهان، از جمله اولین ۳ نماینده زن از پارلمان فنلاند در آن شرکت کرده بودند، به پیشنهاد کلارا زتکین به اتفاق آرا و در فضائی گرم و صمیمانه و شادی و هلهله رأی مثبت دادند. بدین ترتیب، "روز جهانی زن" بدون مشخص کردن روزی مشخص در تقویم، متولد شد. این کنفرانس همچنین تصویب کرد که شعار "رأی برابر زنان، مبارزه ما برای رسیدن به سوسیالیسم را تقویت خواهد کرد." هر ساله در روز جهانی زن را بلند و برجسته کند.

بحثهای زیادی در آن کنفرانس در گرفت. بحث حول حق و حقوق زنان، از جمله حق رأی زنان پا خورد و بیانییه هائی درباره حق رأی زنان و حق رأی همگانی، حق و حقوق مادری برای مادران متأهل و صرفنظر از حدود و ثغور دارائی افراد، که حق رأی آن زمان بر آن مبنا بود، بتصویب رسیدند. بحثهای مهم دیگری از جمله ممنوعیت کار شبانه از آنجا که به سلامتی جسمی زنان ضرر می رساند، در گرفت و قطعنامه و بیانییه هائی در این رابطه مصوبه شدند. مزد برابر با مردان، روزکار هشت ساعته، لغو کار قراردادی و کنترائی، مزد مکفی برای بیکاران و دستمزد کامل برای روزهای تعطیلی و غیره از مباحث و قطعنامه هائی بودند که در این کنفرانس به بحث گذاشته و تصویب رسیدند. (از آنجا که درباره این کنفرانس بحثهای مفصلی شده است و این کنفرانس یکی از مهمترین کنفرانسهای از نوع خود بوده، لازم به اشاره دارد که آلکساندرا کولنتای، یکی از رهبران برجسته عرصه زنان حزب بشویک از روسیه، در این کنفرانس با حق و حقوق مادری برای مادران متأهل مخالفت کرد و این حق را برای تمام مادران، صرفنظر از متأهل بودن درخواست کرد.)

سال بعد از تصویب روز جهانی زن در کنفرانس یادشده، روز جهانی زن توسط فعالین جنبش سوسیالیستی و جنبش زنان و با دخالت بسیار فعال خود کلارا زتکین در روز نه ۸ مارس، بلکه ۱۹ مارس جشن گرفته شد. منتها ۱۹ مارس هم اتفاقی نبود. بقول آلکساندرا کولنتای، برای حزب سوسیال دمکرات کارگر آلمان یک روز تاریخی بود. همچنانکه بالاتر گفتیم، در

کمک کرد.

جد از مسئله مبارزه برای شرایط کاری بهتر و برابر با مردان، یک عرصه مهم مبارزه زنان در این دوره، مسئله حق رأی زنان برای مشارکت در امور اداره سیاسی جامعه نیز بود. مبارزه برای حق رأی همگانی و از جمله حق رأی زنان، در بسیاری از کشورها رو به رشد بود. آلکساندرا کولنتای می گوید که در روسیه در آن سالها، شعور زنان چنان دستمگ گرفته می شد که جز زنان و بیماران روانی در تیمارستانها، همه شهروندان جامعه دارای حق رأی بودند! در انگلیس جان استوارت میل اولین نماینده پارلمان بود که از حق رأی زنان دفاع کرد که با مخالفت یکپارچه پارلمان روبرو می شود. بالاخره در نیوزیلند زنان در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۸۹۳، برای اولین بار در یک کشور دارای حق رأی می شوند. پادشاه پروس در سال ۱۸۴۸، در یک عقب نشینی سیاسی در برابر انقلاب، وعده هائی می دهد که حق رأی زنان یکی از این وعدهها است که هیچوقت عملی نشد.

چگونه ۸ مارس متولد شد؟

در سال ۱۹۱۰ ایده روزی به نام روز زن در سراسر آمریکا توسط فعالین جنبش زنان جدی تر گرفته شد. همان سال نمایندگان به دومین کنفرانس زنان سوسیالیست انترناسیونال دوم در کپنهاک، با هدف پیشنهاد یک روز مشخص بعنوان روز جهانی زن شرکت کردند. روزی که مطالبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان، از جمله حق رأی زنان، را برجسته کند. برای سوسیالیستها و مشخصا کمونیستها در آن دوره هم گرچه مسئله زن جایگاهی ویژه داشت، اما برای تعدادی از رهبران برجسته جنبش کمونیستی حق رأی دستمگ گرفته می شد. در جنبش کارگری آن زمان، مردانی با افکار عقبمانده، مخالف دخالت زنان در امور سیاسی بودند و رهبران جنبش کمونیستی که مبارزه برای حق رأی زنان در دستمگ می گرفتند، پافشاری بر حق رأی زنان را تفرقه افکنانه می دانستند! حزب سوسیال دمکرات کارگری آلمان که وزنه مهمی در جنبش سوسیالیستی آن زمان داشت، با رهبرائی چون کلارا زتکین، تا حدودی این افکار عقبمانده را به عقب راند.

کلارا زتکین با الهام از مبارزه و فعالیتهای زنان کارگر جنبش کارگری آمریکا و فعالین سوسیالیست این جنبش، چهارچوب پیشنهاد خود برای روز مشخصی به نام "روز جهانی زن"، به این کنفرانس را آماده کرده بود. در

۸ مارس چگونه ۸ مارس شد؟

ناصر اصغری

بافندگی و کار خانگی با شرایط وحشتناک کاری و دستمزدهای تقریباً بخور و نمیری به کار گرفته می شدند. در این دوره از تاریخ جامعه طبقاتی است که سر و کله اتحادیههای کارگری اولیه پیدا می شوند. منتها همین اتحادیهها هم کمتر به وضعیت زنان توجه داشتند. با اینحال این صرفاً مبارزه کارگران مرد نبود که باعث عقب نشینی صاحبکاران و ایجاد این اتحادیهها می شد. هرچا مبارزه‌ای در میگرفت، اگر زنان کارگر مستقیماً در این مبارزات شرکت نداشتند، خانواده کارگران اعتصابی و در پیشاپیش آنها زنان این خانواده‌ها نقش مهمی در پیشبرد این مبارزات داشتند. در حکایت‌های فولکلوریک نسبتاً معاصر آمده است که زنان شاغل در نساجی‌های شهر نیویورک در ۸ مارس ۱۸۵۷ اعتصابی را بر علیه وضعیت غیرقابل تحمل کاری و دستمزدهای بشدت پایین سازمان دادند. این حکایت در ادامه می گوید که این اعتصاب با دخالت پلیس خاتمه می یابد؛ اما دو سال بعد از این اعتصاب در ماه مارس، همین زنان اعتصابی اولین اتحادیههای کارگری خود را در همین مراکز ایجاد کردند.

در سال ۱۹۰۳ فعالین کارگری و مشخصاً زنان این عرصه از فعالیت اجتماعی، مبارزه‌ای را برای ایجاد مجمع اتحادیه کارگری زنان به پیش بردند و هدف اصلی خود را بهتر شدن وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان تعریف کردند.

در آخرین یکشنبه ماه فوریه ۱۹۰۸، زنان سوسیالیست ایالات متحده، با سازمان دادن تظاهراتی خواهان حق رأی برای زنان و حق مشارکت در سیاست و بهتر شدن وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان شدند. سال بعد (۱۹۰۹)، حدود ۲۰۰۰ نفر در تجمع روز زن با ارج نهادن اعتراض سال قبل زنان، در ماهنتان نیویورک شرکت کردند. در همان سال، نزدیک به ۳۰ هزار تن از زنان نساجی‌ها در سرمای سوزان زمستان، به مدت ۱۳ هفته برای بهبود شرایط کاری دست به یک اعتصاب عمومی زدند. تعدادی از فعالین این اعتصاب دستگیر شدند و مجمع اتحادیه کارگری زنان شرایط آزادی این دستگیر شدگان را با پرداخت وثیقه های نسبتاً بالا فراهم آورد و مبلغ زیادی به صندوق اعتصاب این کارگران

ایده روزی که بتوان آن را روز جهانی زنان خواند و در آن روز بر مسائل مهم و مطالبات زنان تمرکز کرد، از نیاز به برابری حقوقی و رجوع و مبارزه برای رفع نابرابری حقوقی بر علیه زنان و مبارزه بر علیه سؤ استفاده ای که جامعه طبقاتی از اختلاف جنسی بین جنسیت زن و مرد می کند، برخاسته است. حتی امروز هم اگر از هر فرد منصفی سؤال شود که زمخت ترین تبعیض را نام ببرد، مسلماً تبعیض بر علیه زنان و بیحقوقی زنان را برجسته خواهد کرد. و درست به همین دلیل هم هست که مسئله زن و مبارزه برای رفع نابرابری و ستم مضاعفی که بر زنان در ایران می رود، بسیار برجسته است و از همین رو روز ۸ مارس از جایگاه ویژه ای مشخصاً در ایران برخوردار است. زیرا زن در ایران امروز دیگر بیحقوق نیست، بلکه زن بودن مساوی نبودن است؛ بحساب نیامدن است. وجودش انکار می شود. به وجودش هر روزه توهین میشود. زن در این جامعه روزانه تحقیر میشود. زن حتی کلفت به معنای قدیمی تر کلمه هم بحساب نمی آید. در قوانین اسلامی این مملکت، برده جنسی مرد است. برده ای است که باید اسباب لذت "جنس برتر" را فراهم آورد. یک چنین وضعیتی است که اهمیت ۸ مارس را برای زنان ایران دوچندان می کند.

در این تاریخچه مختصر ۸ مارس، مجبورم از جنبه تحلیلی تر مسئله چشم پوشی کنم. درباره مسئله زن و حتی تاریخچه ۸ مارس، می توان کتابها نوشت. اما فعلاً مجبوریم به همین نوشته کوتاه بسنده کنیم.

وضعیت زنان قبل از تولد ۸ مارس

۸ مارس، روز جهانی زن، همانند اول ماه مه و روز "کارگر" در آمریکای شمالی، ریشه در مبارزه کارگران آمریکا برای کاهش روز و شرایط بهتر کار دارد. رشد صنعت و در نتیجه تولید سرمایه داری و شهرنشینی، بخش عظیمی از دهقانان را از زمین کند و برای به دست آوردن لقمه نانی، راهی شهرها کرد. زنان و کودکان، در اغلب رشته های کاری، با شرایط کاری بسیار بد و طاقتفرساتر به کار گرفته می شدند. مشاغل همانند امروز ایران به مردانه - زنانه تقسیم می شدند. زنان عمدتاً در کارگاهها و کارخانه های

پیش بسوی برگزاری هشت مارس در سراسر جهان

-امضای مانیفست آزادی زن، به ۱۶۴۴ نفر رسید

- چهل سازمان بین المللی مدافع حقوق زن با شعار "آزادی و برابری جنسیتی در ایران" به استقبال هشت مارس میروند.

به دعوت تعدادی از فعالین مدافع حقوق زن از ایران، از نهادها و سازمانهای بین المللی، چهل

سازمان معتبر و شناخته شده بین المللی، هشت مارس امسال را هشت مارس اعلام همبستگی با مبارزات زنان در ایران اعلام کردند. از جمله این سازمانها همبستگی بین المللی برای جامعه ی سکولار، سازمان سراسری جامعه شناسان بدون مرز، سازمان هماهنگ کننده ی روز زن، خبرنامه ی بیسیک،

سازمان گابریلا، سازمان فیلیپینی در اونتاریو، سازمان مهاجرین کانادا، سازمان ملی حقوق زنان در برگیرنده دهها گروه فمینیستی در سراسر فرانسه و... هستند.

- در کشور دانمارک چندین سازمان مدافع حقوق زن، اعلام کرده

مانیفست آزادی زن در ایران به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن! هشت مارس امسال، روز بزرگداشت ندا سمبل مبارزه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی!

تازه بقدرت رسیده با فریاد نه به حجاب اجباری ایستادیم و امروز با داشتن تجارب خونین و دردناکی از سه دهه آپارتاید جنسی، بردگی جنسی و سرکوب مستمر زنان، با صدائی رساتر و کوبنده تر به همراه نسل جوان و پیشرو در ایران اعلام میکنیم که جمهوری اسلامی بعنوان يك حکومت ضد زن، بعنوان حکومت آپارتاید جنسی باید سرنگون شود. اعلام میکنیم سران حکومت اسلامی به جرم جنایت سیستماتیک علیه میلیونها زن، بجرم جنایت علیه بشریت باید دستگیر و محاکمه شوند. این فرمان انقلاب در ایران است. با سرنگونی جمهوری اسلامی ما به یاری میلیونها زن در کشورهای اسلام زده می شتابیم که اسیر حکومتها و باندهای تروریست اسلامی و سنتهای ناموس پرستانه و مردسالارانه اسلامی هستند.

نفس وجود جمهوری اسلامی با آزادی زنان مغایر است. جمهوری اسلامی حکومتی زن ستیز، برپاکننده آپارتاید جنسی، و عامل سه دهه تحمیل شیخ ترین اهانتها و تحقیرها و شدیدترین سرکوبگرها و بیحقوقی ها به زنان در ایران است. بدون آزادی زن جامعه آزاد نخواهد شد و بدون سرنگونی جمهوری ضد زن اسلامی زنان به حقوق خود دست نخواهند یافت. جمهوری اسلامی باید برود! این پیام ندا آقا سلطان سمبل انقلاب جاری در ایران، و حکم و امر زنان شجاع و پیشروی است که هفت ماه است در پیشاپیش صفوف مردم کل حکومت زن ستیز اسلامی را به چالش کشیده اند.

ما زنان و مردان آزادیخواه سی سال قبل در هشت مارس ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) در ایران در مقابل ارتجاعیون

دفاع از انقلاب جاری در ایران، امروز میتواند و باید يك حرکت عظیم بین المللی باشد. هشت مارس روز جهانی و بین المللی زنان است و امسال مهر همبستگی با زنان و مردم ایران برای سرنگونی حکومت اسلامی بر این هشت مارس حك شده است. ما از همه فعالین و سازمانهای مدافع حقوق زن دعوت میکنیم که با جنبش زنان در ایران ابراز همبستگی کنند و یاد ندا آقا سلطان را بعنوان سمبل جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی گرامی بدارند. هشت مارس امسال، روز همبستگی با جنبش آزادیخواهی مردم ایران است!

ما بیانیه زیر را بعنوان مانیفست آزادی زنان در ایران اعلام میداریم و همه فعالین جنبش آزادی زن و نیروهای سکولار و آزادیخواه را به حمایت از این مانیفست و به همبستگی با مردم ایران در مبارزه برای سرنگونی حکومت

از صفحه ۷ ۸ مارس چگونه ۸ مارس شد؟

همگانی برای تمام پورتاریا است پس چرا ما آن را روز زنان می نامیم؟ پس چرا ما جشنها و جلسات مخصوص که مشخصا زنان کارگر و دهقان را مورد خطاب قرار می دهند، برگزار می کنیم؟ آیا این اتحاد و همبستگی طبقه کارگر را به مخاطره نمی اندازد؟ او بعدا جواب خودش را به این موضوع می دهد. اما صرفنظر از جوابی که او به این سؤال در شرایط مشخص آژمان می دهد، امروز به نظر من همان سؤال میتواند پرسیده شود. واقعیت امر این است که شیوه تولید سرمایه داری در بخش اعظم جهان احتیاج به کار ارزان و تفرقه برای رقابت برای مسابقه به ته دره را تشویق می کند. در این تلاش و تقلا مجبور است که اختلافات جنسی، قومی، زبانی،

بار در روسیه جشن گرفته شد. در بسیاری از کشورها این "روز" در ۸ مارس و یا چند روز پس و پیش ۸ مارس، یا بر علیه جنگ و یا در همبستگی با زنان کشورهای درگیر در جنگ گرامی داشته شد. اهمیت ۱۹۱۳ از این جهت است که روز ۸ مارس در این سال بعنوان روز جهانی زن تثبیت شد. و بالاخره روز ۸ مارس در سال ۱۹۷۵، یعنی حدود ۹۰ سال بعد از مبارزاتی سخت برای تثبیت روزی به نام روز زن، سازمان ملل نیز به این روز بعنوان روز جهانی زن زن داد.

اهمیت امروز ۸ مارس

الکساندرا کولنتای در نوشته ای در باره هشت مارس، سئوالی را مطرح میکند: "اگر روز جهانی زن تعطیلی

اند که برنامه های هشت مارس امسال را به مبارزات زنان در ایران معطوف خواهند کرد.

- در آلمان سازمانهای آنتی فاشیست آلمانی میتینگ و یا برنامه های متعددی را به مناسبت هشت مارس تدارک دیده اند و هشت مارس امسال را هشت مارس همبستگی با زنان در ایران اعلام کرده اند.

- در سوئد و در هلند نیز، طی

آپارتاید جنسی و زن ستیز جمهوری اسلامی فرامیخوانیم:

۱- محاکمه رهبران و مسئولین جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت و از جمله به جرم سی سال تحمیل شیخ ترین اهانتها و تحقیرها و سرکوبگرها و بیحقوقی مفرط به زنان در ایران

۲- لغو همه قوانین ضد زن اسلامی و کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل زن و مرد در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی

۳- جدایی کامل دین از دولت، آموزش و پرورش و کلیه قوانین

۴- لغو جدا سازی جنسیتی و آپارتاید جنسی

۵- ممنوعیت صیغه و تعدد زوجات. حق بیقید و شرط جدائی (اطلاق) برای زن و مرد. لغو کلیه قوانینی که حقوق مدنی زنان (نظیر حق مسافرت، معاشرت، شرکت در فعالیتهای اجتماعی و غیره) را به کسب اجازه از شوهر، پدر، و یا سایر مردان خانواده

رنگی و غیره را برجسته کند. آنچه که در طول تاریخ برایش راحت تر بوده، تحمیل بیحقوقی بیشتر به زنان، با کمک گرفتن از مذهب و بجلو صحنه آوردن دوباره مذهب بوده است.

ما در روز جهانی زن، مطالبات زنان را برجسته می کنیم چرا که معیار آزادیخواهی هر جامعه ای در دفاع از حقوق زنان و در برخورد به حقوق زن است. ما مراسم ۸ مارس را به نام زنان

در ۸ مارس، ۱۷ اسفند،

از صفحه ۱

اسلامی فقط زنان و جامعه ایران را به قهقرا سوق نداد، بلکه عصر تاریکی را در حمله به حقوق زنان در سراسر جهان آغاز کرد. حمله به زنان، حجاب و آپارتاید جنسی به هویت و به سلاح مهلك كل جنبش كشیف اسلام سیاسی

تماس فعالین سازمان علیه تبعیض با این نهادها، در برنامه های بزرگی که به مناسبت هشت مارس با هدف اعلام همبستگی با زنان در ایران سازمان داده شده است. طی تماس با نهاد بین المللی مارش زنان، مسئولین این سازمان ابراز علاقه کرده اند که هشت مارس امسال را، به همبستگی با جنبش زنان در ایران اختصاص دهند.

مشروط میکند. برابری کامل حقوق و وظایف زن و مرد در امر تکفل و سرپرستی فرزندان پس از جدایی

۶- لغو حجاب اجباری زنان و ممنوعیت حجاب کودکان و به رسمیت شناسی کامل آزادی پوشش

۷- لغو کلیه احکام و قوانین وحشیانه و ضد انسانی سنگسار و اعدام و قصاص و سایر مجازاتهای اسلامی

۸- آزادی بی قید و شرط بیان و اعتراض و آزادی تشکل و اعتصاب و تحزب و اجتماعات

۹- آزادی فوری و بیقید و شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی

۱۰- آزادی مذهب و بی مذهبی و آزادی نقد مذهب

۳ بهمن ۱۳۸۸، ۲۳ ژانویه ۲۰۱۰

مینا احدی، شهلا دانشفر، مهین علیپور، مریم نمازی

حمایت خود را از این بیانیه میتوانند

تلفن تماس:

۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

واقعی ضربه نمی زند، بلکه این جنبش را تقویت می کند؛ چرا که امروز زنان به همان اندازه در تولید و سوخت و ساز جامعه مشارکت دارند که مردان در این امر دخیلند.

۸ مارس روز جشن طبقه کارگر است. ۸ مارس روز زنان و مردان است. روز اعتراض به بی حقوقی در این جامعه و در پیشاپیش آن، اعتراض به بی حقوقی زن در این دنیاست.

حقوق کشورهای اسلام زده، بلکه تمام زنان و مردان جهان ذینفع اند. این انقلاب باید به پیروزی برسد، باید جمهوری اسلامی و تمام قوانین ضد زن و حجاب و جدا سازی جنسی اش به گور سپرده شود. و هشت مارس امسال یکی از فرصت هایی است که انقلاب علیه جمهوری اسلامی میتواند و باید گامی دیگر به پیش بردارد.

تبدیل شد. جنبشی که نه فقط در کشورهای اسلام زده بلکه به لطف مامشات دول غربی حتی در قلب اروپا زنان را در سلول انفرادی حجاب و دادگاه های شریعه به بند میکشد. چنین است که در مبارزه شورانگیز 31 ساله زنان ایران و بالاخص در "انقلاب زنانه" حاضر نه فقط همه احاد جامعه ایران، نه فقط همه زنان بی

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار (آی ال او) اخراج شود

از: کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران
به: سازمان جهانی کار، (آی ال او)



آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی با تحریم سیاسی بین المللی روبرو شد، جمهوری اسلامی این حکومت آپارتاید جنسی در ایران، این حکومت سرکوب و اعدام باید با وسیعترین تحریم سیاسی جهانی روبرو شود و بعنوان اولین گام، از سازمان جهانی کار که مدعی نمایندگی کارگران جهان است، اخراج شود.

این اخطار مردم ایران و انقلاب ماست. این موضوعی است که با حمایت وسیع مردم جهان همراه است که به شیوه های مختلف حمایت خود را از کارگران و مردم ایران ابراز کرده اند. ما اعلام میکنیم، اگر باز جمهوری اسلامی در اجلاس شما شرکت داشته باشد، در همان روز اول اجلاس با صف اعتراض وسیع ما مردم معترض ایران که در خارج کشور هستیم روبرو خواهید بود. ما نمیگذاریم. ما فشار می آوریم که سفارت خانه های جمهوری اسلامی

در اجلاس سال گذشته در کنفرانس شما شرکت کردیم و با در دست داشتن عکس های کارگران دستگیر شده اول مه ۲۰۰۹ و اعلام اینکه جمهوری اسلامی قاتل مردم ایران و کارگران است، مخالفت خود را با شرکت هیات جمهوری اسلامی در اجلاس شما اعلام کردیم و گفتیم که جمهوری اسلامی باید از همه مراجع جهانی اخراج شود، و خواهان اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار "آی ال او" شدیم. ما صدای اعتراض کارگران و مردم ایران هستیم و در سه اجلاس قبل شما نیز حضور داشتیم و باز همین خواست اعتراضی خود را اعلام کردیم. اما علیرغم همه این اعتراضات، علیرغم انقلاب جاری در ایران و خواست مردم ایران برای سرنوشتی این رژیم و علیرغم همه جنایاتش، به نظر می رسد جمهوری اسلامی هنوز جزو شرکت کنندگان اجلاس شما قرار دارد. از نظر ما همانطور که رژیم

اجلاس سالانه آی ال او نزدیک است و لایه باز هیات جمهوری اسلامی از شرکت کنندگان در این اجلاس خواهد بود. ما از هم اکنون اعتراض خود را به این موضوع به شما اعلام میکنیم.

حضور هیات جمهوری اسلامی هر ساله مورد اعتراض کارگران و ایرانیان معترض در خارج کشور قرار گرفته است. ما هر ساله شاهد وسیعترین حمایت اتحادیه های کارگری جهانی از مبارزات کارگران و مردم ایران بوده ایم. اما سازمان جهانی کار نه تنها به این اعتراضات توجه نکرده است، بلکه بعضا جمهوری اسلامی را در بخش سازمان و اداره امور خود دخیل کرده است، همواره از هیاتهای اعزامی جمهوری اسلامی استقبال کرده و با آنها نشست و گفتگو داشته است و دفتر نمایندگی خود در ایران را نیز باز کرده است و غیره ... اما ما به اعتراضات خود ادامه میدهم. ما همان کسانی هستیم که

زندانیان سیاسی و کارگران زندانی از زندان هستیم. ما تلاش میکنیم که وسیعترین حمایت بین المللی کارگری را از خواستهای برحقمان جلب کنیم. از نظر ما بویژه در شرایط کنونی که کارگران و مردم ایران بطور میلیونی علیه این حکومت به میدان آمده اند، و جمهوری اسلامی به اقدامات ضد کارگری خود شدت بخشیده است، هیچ بهانه و توجیه دیپلماتیکی برای ادامه حضور هیئت جمهوری اسلامی در کنفرانس آی ال او قابل قبول نیست. جمهوری اسلامی را به اجلاس جهانی کار راه ندهید. کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران هماهنگ کننده شهلا دانشفر روابط عمومی بهرام سروش ۱ اسفند ۱۳۸۸ - ۲۰ فوریه ۲۰۱۰

این لانه های ترور و جاسوسی در همه کشورها بسته شوند. ما فشار میاوریم که جمهوری اسلامی از همه مراجع جهانی و از جمله آی ال او اخراج شود و ما خواهان محکوم کردن جمهوری اسلامی بخاطر سرکوبگری هایش و آزادی فوری همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از زندان هستیم. هم اکنون بیش از دو سال است که منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکای واحد در زندان است. ابراهیم مددی عضو هیات مدیره این سندیکا و علی نجاتی رئیس هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه در زندانند و فرزند کمانگر معلم مبارز حکم اعدام بر روی سرش قرار دارد. ما خواهان فشاری بین المللی به جمهوری اسلامی برای آزاد کردن همه

به اتحادیه های کارگری در آلمان

جان منصور اسانلو خطر جدی است، باید فوراً اقدام کنیم!



شهناز مرتب

خانواده اسانلو و همه فعالین کارگری و دوستداران اسانلو ایجاد کرده است. بویژه اینکه باید توجه کنیم که یک روش حکومت اسلامی در زندانها به قتل رساندن زندانیان و یا ترور آنها در مقابل چشم دیگران، توسط عناصر زندانی شده خود و یا مزدوران خودشان است. همین دیروز دوشنبه خبر رسید که در گوهردهشت یک زندانی به اسم یاور خدا دوست در اثر فشار و شکنجه در زندان جان باخت.

دوستان و همکاران عزیز!

من به عنوان عضو اتحادیه کارگران پست و یک فعال مدافع حقوق انسانی، اولاً در پاسخ به فراخوان اتحادیه کارگران "د. گ. ب." اشتراکتگارت و در ادامه این فراخوان، از شما میخواهم که فوراً برای نجات جان اسانلو و همه کارگران در بند که متأسفانه خیلی از سازمانهای حقوق بشری، در مورد آنها سکوت میکنند، و برای آزادی همه زندانیان سیاسی،

دوستان گرامی!

دیروز دوشنبه ۲۲ فوریه از زندان گوهردهشت، خبر آمد که به منصور اسانلو در داخل زندان گوهردهشت حمله شده است. مهاجم که عضو سپاه پاسداران بوده، با جسم تیزی قصد به قتل رساندن اسانلو را داشته که این توطئه با هوشیاری و دفاع سایر زندانیان خنثی شده است. منصور اسانلو که در هواخوری بند ۴ زندان گوهردهشت مشغول صحبت با دو زندانی دیگر بوده، یکباره از سوی فردی به اسم سید محمد حسینی عضو سپاه پاسداران که اکنون به اتهام قتل همسر خویش در زندان است، مورد حمله قرار میگردد. گفته میشود که در زندان همه از یک توطئه پنهان وزارت اطلاعات برای قتل اسانلو حرف میزنند. در عین حال در روزهای اخیر اسانلو بارها مورد حمله فیزیکی این فرد قرار گرفته و یکبار این عضو سپاه پاسداران به اسانلو گفته ترا میکشیم. این اخبار نگرانی عمیقی در بین

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیسی:

Account nr: 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 60-30 639 60
صاحب حساب IKK

آلمان:

Rosa Mai
Konto Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم. تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

اعتراضات کارگری گسترش می یابد

کارگران در چند روز گذشته در شهرهای شیراز، اصفهان، اروندکنار، ساوه، بندرعباس و شهری دست به تجمعات اعتراضی زدند

شیراز: اعتراض کارگران صنایع مخابرات راه دور

بنا به اخبار منتشر شده در روزهای اول تا پنجم اسفند هرروزه کارگران مخابرات راه دور در استان فارس، به دلیل تاخیر ۱۳ ماهه در پرداخت مطالباتشان در مجاورت کارخانه و مقابل استانداری فارس دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران گفته اند که به منظور دستیابی به مطالبات خود به اعتراضات خود ادامه خواهند داد. روز ۵ اسفند کارگران صنایع مخابرات که حدود ۶۰۰ نفر میباشند در حالیکه پلاکاردهایی در دست داشتند، برای جلب توجه مردم در سوتهایی که همراه داشتند دمیدند.

اصفهان: اعتراض کارگران مجتمع فولاد مبارکه

روز ۳ اسفند جمع زیادی از کارگران مجتمع فولاد مبارکه اصفهان، در اعتراض به عملی نشدن وعده های مدیران و کاهش حقوق، دست به اعتصاب غذا زدند. به گزارش شورای موقت کارگران ذوب آهن اصفهان، صدها نفر از کارگران

قرارداد مستقیم این شرکت در اعتراض به کاهش حقوق و مزایا و عملی نشدن وعده های مدیران کارخانه در روزهای ۱۱ و ۱۲ بهمن به نشانه اعتراض از گرفتن غذای خود سر باز زده و دست به اعتصاب غذا زدند. این اعتصابات بیشتر در بخش های فولادسازی و نورد سرد این کارخانه صورت گرفته و قرار است از ۱۲ اسفند از سر گرفته شود.

ساوه: اعتصاب ۸۰۰ کارگر شرکت دنا ره سازان

بنا بر خبری که اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر کرده است، کارگران شرکت دنا ره سازان از روز دوم اسفند ماه در اعتراض به عدم پرداخت چهارماه دستمزد، دست به اعتصاب زده اند و این اعتصاب گزارش صبح روز سوم اسفند مدیر عامل شرکت در میان کارگران اعتصابی حاضر شد و به آنان اعلام کرد در روزهای پایانی سال فقط میتواند عیدی قانونی آنان را پرداخت کند و چهار ماه دستمزد معوقه آنان را پس از عید پرداخت خواهد کرد و از کارگران خواست بر سر کارهای

خود بازگردند. اما کارگران قاطعانه اعلام کردند تا دریافت تمامی دستمزدهای معوقه خود و تسویه حساب کامل حاضر به بازگشت بر سر کارهایشان نیستند و به اعتصاب ادامه میدهند. شرکت دنا ره سازان حدود دو هفته پیش نیز بمدت سه روز دست به اعتصاب زدند و با این اعتصاب که توأم با بستن درب کارگاه با ماشینهای سنگین و جلوگیری از ورود و خروج به محل کارگاه بود، موفق شدند دستمزد معوقه ماههای شهریور و مهر را دریافت کنند.

لازم به یادآوری شرکت دنا ره سازان یک شرکت راهسازی بزرگ است که در حال حاضر مشغول ساخت اتوبان همدان ساوه است و محل کارگاه آن حدود ۲۰ کیلومتری شهرستان ساوه قرار دارد.

بندر عباس: اعتصاب ۶۰۰ کارگر طرح توسعه پالایشگاه بندرعباس

نیروهای سرکوب مسلح به گاز اشک آور و باتوم در مقابل درب خروجی کارگاه مستقر شده اند. بنا به گزارش منتشر شده از

سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران حدود ۶۰۰ کارگر طرح توسعه پالایشگاه بندرعباس در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه از دستمزدهای خود از روز اول اسفند ماه دست به اعتصاب زده و این اعتصاب همچنان ادامه دارد. بنا به این گزارش پس از شروع اعتصاب کارگران در روز اول اسفند ماه، رئیس کارگاه شرکت ئی سی سی به میان کارگران آمد و با وعده پرداخت یکماه از دستمزدهای معوقه کارگران در روز ۵ اسفند ماه، از آنان خواست تا بر سر کارهای خود بازگردند. اما کارگران این وعده را قبول نکردند و خواهان پرداخت تمامی دستمزدهای معوقه خود شدند و به حرکت اعتراضی خود ادامه دادند. طبق این گزارش تداوم اعتصاب کارگران در روزهای ۲ و ۳ اسفند، حراست پالایشگاه اقدام به تهدید کارگران کرده و نیروهای انتظامی مسلح به گاز اشک آور و باتوم و سایر سلاحها نیز در مقابل درب خروجی کارگاه مستقر شده اند و از خروج کارگران به بیرون از پالایشگاه ممانعت میکنند. لازم به یادآوری است، کارگران طرح توسعه پالایشگاه بندرعباس روز ۱۹ آبانماه امسال نیز دست به اعتصاب زدند و با این اعتصاب موفق شدند دستمزد شهریور ماه خود را دریافت کنند و از آن زمان تا کنون این کارگران هیچ

دستمزدی دریافت نکرده اند.

اروندکنار: اعتصاب پرسنل شهرداری اروندکنار

اعتراض کارکنان و پرسنل شهرداری اروندکنار، شهرداری این شهر را برای دومین روز به تعطیلی کشاند. بنا به گزارش منتشر شده توسط سایت خبری سفیر، حدود ۱۵۰ نفر از پرسنل شهرداری اروندکنار در استان خوزستان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود دست به اعتصاب زدند. معترضان خواستار پرداخت مطالبات ۴ ماهه خود از شهرداری هستند. اینها تنها گوشه ای از اعتراضات کارگری در چند روز گذشته است که در مراکز و شهرهای مختلف کشور در جریان بوده است. حزب کمونیست کارگری کارگران مراکز مختلف کشور را به اعتصابات بزرگ و سراسری حول افزایش دستمزدها و برای گرفتن دستمزدهای معوقه فرامیخواند و از همه مردم بویژه اعضای خانواده های کارگران میخواند در تجمعات اعتراضی آنها فعالانه شرکت کنند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۵ اسفند ۱۳۸۸، ۲۴ فوریه ۲۰۱۰

تجمع کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان

تجمع رانندگان شرکت واحد مقابل سازمان تامین اجتماعی

کاشان: تجمع کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی

بنا به خبری که ایلنا، خبرگزاری کار جمهوری اسلامی منتشر کرده است، کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان برای دریافت مطالبات بیش از ۲۲ ماه حقوق معوقه و بیش از یک میلیون تومان عیدی خود، روز ۲۹ بهمن مقابل فرمانداری ویژه کاشان تجمع کردند. کارگران معترض گفته اند که کارگران این شرکت برغم اینکه بیش از ۲۲ ماه حقوق از شرکت مذکور طلب دارند و به جای دریافت حقوق ماهیانه خود هفتای ۵۵ هزار تومان دریافت میکنند که مدتی است از دریافت همان هفتای ۵۵ هزار تومان هم محروم شده اند. این کارگران مبلغ ۷۸۰ هزار تومان معوقه عیدی سال

گذشته و ۳۰۰ هزار تومان عیدی سال جاری را هم طلبکارند.

تهران: تجمع رانندگان شرکت واحد مقابل سازمان تامین اجتماعی

بنا به اخبار منتشر شده، جمعی از کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران روز ۱ اسفند ماه در مقابل سازمان تامین اجتماعی، در اعتراض به آیین نامه جدید قانون باننشستگی دست به اعتراضی چند ساعته زدند. بر اساس آیین نامه جدید، شاغلان مؤسسات دولتی مشمول استفاده از مزایای مشاغل سخت و زیان آور نیستند. با استناد به این بهانه، سازمان تامین اجتماعی از مرداد ماه سال جاری با باننشسته شدن حداقل ۵۰۰ کارگر و راننده شاغل در مشاغل سخت و

دفتر مرکزی

Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

خواستههایشان نرسند، اعتصاب ادامه خواهد یافت. لازم به توضیح است که منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر یکی از دو منطقه مهم صنعت پتروشیمی در ایران است.

پیدا کرد. این کارگران خواهان پرداخت دو ماه حقوق معوقه و عیدی سال ۸۸ خود شدند. این اعتصاب قرار است تا روز ۹ اسفند ادامه یابد و در صورتیکه کارگران به

زیان آور در شرکت واحد مخالفت کرده است. آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱ اسفند ۱۳۸۸، ۲۰ فوریه ۲۰۱۰

اعتصاب کارگران شرکت خوارزمی پتروشیمی ماهشهر

بنا به خبری که دریافت کرده ایم، بیش از ۱۳۰۰ کارگر شیفت روز و شب شرکت خوارزمی که پیمانکار کارهای تعمیر و نگهداری برخی مجتمع های پتروشیمی از جمله پتروشیمی کارون و بندر امام را برعهده دارد از روز چهارشنبه ۵ اسفند دست به اعتصابی اخطاری زدند و روز پنجشنبه با پیوستن کارگران شیفت روز اعتصاب ادامه

www.wpiran.org: سایت حزب:

www.rowzane.com: سایت روزنه:

www.INTERNASIONAL.com: نشریه انترناسیونال:

www.newchannel.tv: سایت کانال جدید:

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی

I.K.K, Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

اطلاعیه شماره ۴

تداوم اجتماع مردم در برابر اوین در زندانها را باید بشکنیم!

اجتماع پرشور خانواده های دستگیر شدگان و مردم مبارز تهران در برابر زندان اوین شب گذشته نیز، همچون هفته های گذشته ادامه داشت. گزارشی که از این اجتماع پرشور به ما رسیده چنین حاکی است:

"امشب (سه شنبه) ۴ اسفند

خانواده های دستگیر شدگان اخیر مثل شبهای قبل در مقابل اوین جمع بودند. مادران عزادار و مردم نیز در جمع خانواده ها بودند. هوا بسیار سرد بود و جمع پر شور. همه بر آزادی زندانیان سیاسی تاکید داشتند و منتظر بودند امشب نیز تعدادی را رها کند. حدود ساعت ده بود که

شلوغ بود. همه در اوج همبستگی قرار شب های بعد را گذاشتند و رفتند..."

حزب کمونیست کارگری به همه زنان و مردان آزادیخواه، به مادران داغدار و خانواده های دستگیر شدگان درود میفرستد و خود را در شادی و شور آنان شریک میداند. ما از همه مردم تهران دعوت میکنیم تا به این تجمعات بپیوندند. در شرایطی که جمهوری اسلامی تحت فشار خرد کننده انقلاب مردم، پناهی جز دستگیری و زندان و شکنجه و اعدام

اولین نفر با دستهای بالا گرفته به نشانه پیروزی آزاد شد و بیرون آمد. مردم هم همراهی کردند و یکبار از گوشه ای سرود یاردهستانی خوانده شد و جمعیت همراهی کرد و صدا آنچنان بلند شد که پاسدارها و نیروی انتظامی از ترس بیرون آمدند. تهدید کردند و گفتند اگر شلوغ کنید دیگر کسی را آزاد نمیکشیم. ولی جمعیت خواندن سرود را ادامه داد. تعداد دیگری نیز آزاد شدند. با هر آزادی جمعیت پر از شور و شادی میشد. دقیق میدانم چه تعداد آزاد شدند.

ندارد، باید اجتماعات وسیع در برابر زندانها برپا داشت و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی شد. بیرون آوردن حربه زندان سیاسی از دست جمهوری اسلامی این رژیم جنایتکار را از آخرین سنگرهایش نیز بیرون خواهد راند.

درد بر اجتماع کننده در برابر اوین! زندانی سیاسی آزاد باید گردد! سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی! حزب کمونیست کارگری ایران ۵ اسفند ۱۳۸۸، ۲۴ فوریه ۲۰۱۰

حزب کمونیست کارگری:

مادران زندانی فوراً باید آزاد شوند!

این کشتارها در پارک لاله جمع میشدند و اعتراض خود را اعلام میداشتند و اکنون همراه با خانواده های زندانیان سیاسی هر شب به مقابل اوین میروند و خواست خود را پیگیری میکنند و برای آزادی همه زندانیان سیاسی از زندان تلاش

بیش از دو هفته است که ۷ تن از مادران داغدار در زندان به سر میبرند. مادرانی که فرزندان را در جریان تظاهراتی میلیونی مردم از دست داده اند. مادران قهرمانی که در این مدت هر هفته روزهای شنبه با خواست محاکمه آمرین و عاملین

آزاده را دعوت میکنیم تا برای باز کردن در زندانها و آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی به اجتماعات خانواده ها در برابر زندان اوین بپیوندند.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی سرنگون باد جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران

همین ۸ ماه کردند، در پیشگاه مردم جهان محاکمه شوند. این فرمان انقلاب مردم است. از هم اکنون پرونده محاکمه این جانین در دادگاه لاهه در جریان است و ما با تمام قوا برای پیگیری این پرونده و تحقق خواست مردم میکوشیم. حزب کمونیست کارگری همبستگی عمیق خود را با مادران داغدار و همه خانواده هایی که عزیزانشان در بند هستند اعلام میکند. ما همه مردم

میکند. این هفت مادر زندانی در ۱۴ بهمن دستگیر و در ۱۶ و ۱۷ بهمن به بند ۲۰۹ اوین، بندی که مستقیماً تحت مسئولیت وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی قرار دارد، منتقل شدند. مادران داغدار زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند. این سران جمهوری اسلامی اند که باید بخاطر سی سال جنایتانشان و بخاطر کشتاری که در

مقامات و نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی ایران قاتلین مردم ایران هستند. امکان حضور در مجامع خارج کشور را به آنها نمیدهیم!

زمان: چهار شنبه، ۲۴ فوریه ۲۰۱۰ ساعت ۱۵

مکان: Presse- und Besucherzentrum des Presse- und Informationsamtes der Bundesregierung Reichstagsufer 14 10117 Berlin

مخالفین جمهوری اسلامی ایران با تجمع در مقابل این مرکز در روز چهارشنبه ۲۴ فوریه باید به این مظاهرات با سرکوبگران مردم ایران اعتراض کنند!

حزب کمونیست کارگری ایران- آلمان ۲۲ فوریه ۲۰۱۰ - ۳ اسفند ۱۳۸۸

Gesellschaft. گوشزد میکنیم که باید فوراً نشست با سفیر یکی از فاشیست ترین و جنایتکارترین حکومتهای قرن را ملغی کنند. ما همه آزادیخواهان و ایرانیان مقیم آلمان را فرامیخوانیم اجازه ندهند قاتلین مردم در مجامع عمومی خارج کشور حضور پیدا کنند. موسسه مذکور تاریخ جلسه سخنرانی سفیر رژیم اسلامی و عضو حزب سبز آلمان را در تاریخ و مکان زیر اعلام کرده است.

حزب سبز آلمان که هنوز از زیر بار افتضاح کنفرانس برلین بیرون نیامده است میخواهد یک بار دیگر قاتلان و سرکوبگران مردم ایران را به جامعه آلمانی معرفی کند. ما اعلام میکنیم که نباید اجازه داد پای مقامات دولتی جمهوری اسلامی و قاتلان مردم ایران را به مجامع عمومی در آلمان باز کنند. همینجا به موسسه Deutsche Atlantische

که امروز در نقش سفیر این رژیم در آلمان بسر میرود. او در سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ یکی از سرکوبگران مردم کردستان بوده است. حزب سبز آلمان که در سال ۲۰۰۰ ماموریت داشت از جانب دولت آلمان اصلاح طلبان حکومتی را نماینده مردم ایران قلمداد کند و آنها را در خارج کشور لانه کند، اکنون به جناح قدره بند حاکم بر ایران پناه برده است.

انجمنی به نام Deutsche Atlantische Gesellschaft اعلام کرده است که روز ۲۴ فوریه ۲۰۱۰ در شهر برلین سفیر جمهوری اسلامی به اسم علیرضا شیخ عطار و یکی از مسئولین حزب سبز آلمان به اسم امید نوری پور را دعوت به سخنرانی کرده است! علیرضا شیخ عطار یکی از فرماندهان سپاه پاسداران و عضو وزارت اطلاعات رژیم اسلامی بوده

اطلاعیه پیرامون دستگیری عبدالملک ریگی

دهند.

سرنگون باد جمهوری اسلامی زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۲۴ فوریه ۲۰۱۰، ۳ اسفند ۱۳۸۸

آغشته است هیچگونه صلاحیت و حقانیتی در دست زدن به این اقدام ندارد و سران این حکومت خود باید به جرم جنایت علیه بشریت دستگیر و محاکمه شوند.

کارگران و مردم آزاده ایران با سرنگون کردن جمهوری اسلامی به نیروی انقلاب خود، با برپایی جامعه ای مستشکل از شهروندان آزاد و برابر به اینگونه نمایشات و معاملات ضد بشری و نفرت انگیز و کل جریانات اسلام سیاسی پایان می

بلوچ روا میدارد سربازگیری کند. حزب کمونیست کارگری معامله بر سر عبدالملک ریگی و دستگیری وی توسط جمهوری اسلامی را یک نمایش نفرت انگیز در اردوی نیروهای اسلامی و ارتجاعی میدانند. جمهوری اسلامی که دستش در خون مردم ایران و از جمله مردم محروم و تحت ستم بلوچستان

منتشره حاکی از همکاری دستگاه امنیتی پاکستان و اچیان دیگر دول منطقه در تحویل دادن ریگی به جمهوری اسلامی است. گروه جندالله، همچون رژیم اسلامی حاکم بر ایران، به جریان ارتجاعی اسلام سیاسی تعلق دارد که در عین حال میکوشد از ستم ملی و مذهبی که جمهوری اسلامی بر مردم منتسب به

صبح امروز دوم اسفند جمهوری اسلامی از دستگیری عبدالملک ریگی، رهبر گروه "جندالله"، خبر داد. در یک نمایش مسخره و ساختگی همراه با ضد و نقیض گویی های مقامات، حکومت اسلامی کوشید تا این دستگیری را نشانه توانایی "سربازان گمنام امام زمان" و رژیم محترض قلمداد کند. اما اخبار

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

داریوش همایون: تعیین نرخ وسط دعوا

کاظم نیکخواه

۲۲ بهمن برای حاکمین، روز جشن سرنگون نشدن بود. برای جناح مغضوب یک شکست استراتژیک بود. یکی جشن گرفته است که انقلاب نتوانسته است در این روز سرنگون کند، یکی مات مانده است که چرا مردم وارد اسب تروا نشدند و در میدان صادقیه و آریاشهر و خیابانهای دیگر شعارهای "ساختار شکنانه" دادند و میدان آزادی فقط با جمعیت کرایه ای نیمه پر شد. در این زمینه بحثهای جالبی میان جریانهاست. یکی از آنها داریوش همایون و حزب مشروطه است که میخواهد با زنگی وسط دعوا نرخ تعیین کند و شکست جناح راست را به دستمایه ای استراتژیک برای خود تبدیل کند. ایشان الحق کم نسبت به جمهوری اسلامی کینه و پدرکشتگی ندارد، اما بیش از جمهوری اسلامی از انقلاب و دخالت از پایین مردم منجر است. به همین دلیل همچون ولی نعمتش رضا پهلوی یک دوره پشت خاتمی رفت که میخواست جمهوری اسلامی را نگه

رسانند. روزی که یادآور یک پیروزی مردمی بود شاهد روی گرداندن آن مردم از انقلاب و حکومت انقلابی، از سراسر فلسفه و جهان بینی آن، شد. از این پس ۲۲ بهمن نمایش بی روح پول و زور حکومت در برابر سرکشی فزاینده مردم خواهد بود. مانند بقیه روزهای رسمی رژیم اسلامی ۲۲ بهمن نیز برای اکثریتی فزاینده از مردم یادآور کینه و بیزاری عمومی خواهد شد - نمادی از بزرگترین اشتباه تاریخی ایرانیان تا هر جا که بتوان به گذشتهها رفت". او اول ورژن خامنه ای از بیست و دو بهمن را که میدانتها از طرفداران حکومت "پر شد" را می پذیرد و کل آن خبرها و فیلمهایی که نشان میدهند که جمعیت کرایه ای نتوانست حتی نصف میدان آزادی را پر کند، و جمعیتی بالغ بر ۱۵ هزار نفر به سمت اوین راهپیمایی کردند و کل تظاهراتهای صادقیه و آریاشهر و اطراف میدان آزادی را کنسار میگنارد. دلیلش هم اینست که میخواهد نتیجه بعدی را که بسیار برایش مهم است بگیرد: "روی گرداندن مردم از انقلاب و حکومت انقلابی از سراسر فلسفه و جهان بینی شان. و آن "اشتباه تاریخی یعنی

بساط حکومت اسلامی در آلمان را باید فوراً جمع کرد!

خانم مرکل!

هیتلر و با گرفتن ژست اعتراض به آن فجایع، امروز و در مقابل چشم ما میلیونها نفر مردم ایران، ما قربانیان هیتلرهای زمان، با این جنایتکاران دست دوستی میدهد، چشم خود را در مقابل اعداهای گسترده و سنگسار و تجاوز در زندانها و قتل ندا و ناهای می بندد، و کماکان به این جانیان به چشم دولت مشروع ایران نگاه میکند.

خانم مرکل!

دولت آلمان، یکی از ستونهای مدافع حکومت اسلامی بوده و هست! اینرا لطفاً در مدارس آلمان به کودکان آلمانی تدریس کنید، که دولت شما و دولتهای قبلی، بدلیل منافع اقتصادی و سیاسی، هیچگاه بطورعلنی علیه سنگسار یعنی تکه تکه کردن زنان و همجنسگرایان در خیابانهای تهران و تبریز و شیراز حرفی نزد، هیچگاه علیه مراسم شنیع اعدام جوانان در خیابانها، حرفی نزد و هیچگاه به دستگیری میلیونها زن در ایران به جرم عدم

رعایت حجاب و شلاق خوردن این زنان و اسید پاشیدن به صورتهای آنها، اعتراضی نکرد. مردم ایران فراموش نمیکنند که دولت آلمان در دوره حکومت شرودر و فیشر، سعی کرد خاتمی را بدلیل اینکه زنان را در زندان سنگسار میکرد و نه در خیابان، دولت مشروع و "اصلاح طلب" معرفی کرده و کنفرانس "ایران بعد از انتخابات" را در سال ۲۰۰۰ سازمان داد، به امید اینکه مشروعیت بیشتری برای جانیان حاکم بر ایران بخرد.

امروز که میلیونها نفر از مردم ایران فریاد سرنگونی این حکومت مذهبی و ضد زن را سر میدهند، کماکان دولت شما، از این حکومت جنایتکار دست نمیکشد و روزی نیست که با دعوت از سفیر حکومت اسلامی در آلمان، که در پرونده سیاهش جنایات بیشماری حک شده، و سایر تروریستهای اسلامی لانه کرده در سفارتخانه های جمهوری اسلامی، و

سرنگون کردن حکومت شاه". گویا از این بعد بیست و دو بهمن و خاطره انقلابی که حکومت شاه را به زیر کشید با یک شکست تداعی خواهد شد. گویا مردم دیگر از انقلاب روی گردان شده اند. و "اشتباه تاریخی شان" یعنی سرنگونی دیکتاتوری شاه را پذیرفته اند. به این میگویند "تئوریسین حزب مشروطه! درست وسط یک انقلاب که در جریان است، گویا فلسفه انقلاب و انقلاب کردن از جانب مردم کنار گذاشته شده است! و جالب اینکه همین جناب وقتی که در دفاع از حکومت پهلوی ها و ساواک و سرکوب و دیکتاتوری کم می آورد، خود را منتقد حکومت پهلوی ها معرفی میکند و ادعا میکند که امروز طرفدار "مشروطه سلطنتی" به شیوه انگلستان و دیگر کشورهای اروپایی است. بگذریم از اینکه حکومتهای پادشاهی نوع امروزی در اروپا نیز حاصل بند و بست و مقابله و به سازش کشاندن انقلابات سده های قبل بودند نه یک الگوی انتخابی از جانب مردم، اما اینجا جناب سلطنت طلب ما یک بار دیگر اعتراف میکند که "مشروطه سلطنتی" و "لیبرال دموکراسی" ایشان همان حکومت شاه و ساواک و

سازمان دادن "دیالوگ" با این جانیان، به یاری اینها نشتابد.

از طرف هزاران نفر ایرانیان ساکن آلمان، و از طرف مردم منزجر از حکومت اسلامی، از شما و دولت آلمان میخواهم به این سیاست ضدیت با مردم ایران پایان دهید. ما خواهان بسته شدن فوری سفارتخانه جمهوری اسلامی ایران و قطع روابط دیپلماتیک شما با این فاشیستهای قرن هستیم. اگر درسی از تاریخ دوران سیاه هیتلر

سازمان دادن "دیالوگ" با این جانیان، به یاری اینها نشتابد.

از طرف هزاران نفر ایرانیان ساکن آلمان، و از طرف مردم منزجر از حکومت اسلامی، از شما و دولت آلمان میخواهم به این سیاست ضدیت با مردم ایران پایان دهید. ما خواهان بسته شدن فوری سفارتخانه جمهوری اسلامی ایران و قطع روابط دیپلماتیک شما با این فاشیستهای قرن هستیم. اگر درسی از تاریخ دوران سیاه هیتلر

همان سکوت قبرستانی است. از ایشان باید پرسید اگر مردم در ۲۲ بهمن ۵۷ این حکومت را با انقلاب به زیر نمیکشیدند آیا ایشان یک کلمه نقدی بر آن حکومت و عملکردش داشتند یا نه؟ آیا راه دیگری برای تغییر جلوی مردم قرار داشت که حتی یک رئیس ژاندارمری را عوض کنند چه رسد به مقابله کردن با یک تازی دربار و خانواده هزار فامیل و ساواک و کل آن چپاول و سرکوب؟ ما بارها گفته ایم و اسناد و مدارک تاریخی این را تایید میکنند که بورژوازی ارتجاع هار اسلامی را با توطئه به مردم تحمیل کرد تا از انقلاب کردن پشیمانان کند. اما آیا امروز درک پیچیده ای میخواهد که کسی بفهمد که این سیاست آشکارا به شکست رسیده است و مردم تنها راه ممکن دخالتگری خود را که تظاهرات و انقلاب و قیام است در پیش گرفته اند؟ بیست و دو بهمن نیز به همین دلیل به عنوان روز انقلاب علیه دیکتاتوری شاه و همچنین روز تظاهرات و حجاب بر گیران و مرگ بر خامنه ای جای خود را در تاریخ حفظ خواهد کرد.*



مینا احدی

گرفته شود، عدم همکاری با هیتلرهای زمان است.

با احترام مینا احدی
۲۳ فوریه ۲۰۱۰

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر:

کاظم نیکخواه

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

موعد دریافت مقالات

چهارشنبه ها

۱۱ شب بوقت اروپای مرکزی

۵ بعد از ظهر بوقت شرق آمریکا

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!